

راهنمای استفاده از کتاب

برای کسب بهترین نتیجه در امتحانات مدرسه گام‌های زیر را به ترتیب برای هر فصل طی کنید.

فیلم آموزشی

۱. برای استفاده از فیلم‌های آموزشی هر درس QR-Code های صفحه بعد را اسکن کنید.
۲. در هر درس مطالب کتاب درسی به طور کامل تدریس شده است.

گام

اول

درسنامه آموزشی

۱. ترجمه کلمه به کلمه و روان متن درس
۲. ارائه واژگان درس به همراه مترادف، متضاد، مشابه و جمع مکسر از متن درس و تمرین‌ها
۳. آموزش کامل قواعد هر درس بر اساس چارچوب کتاب درسی به همراه مثال
۴. ارائه قواعد تکمیلی با عنوان «ویژه علاقمندان» برای دانش‌آموزان علاقمند که مطالعه آن‌ها برای امتحانات ضروری نیست.
۵. ارائه سؤالات تشریحی به همراه پاسخ در آموزش قواعد
۶. پاسخ به تمرینات کتاب درسی به همراه ترجمه کلیه تمرین‌ها

گام

دوم

پرسش‌های تشریحی

۱. ارائه سؤالات امتحانی در تیپ‌های مختلف
۲. ارائه پاسخ تشریحی به سؤالات
۳. ارائه چند نمونه امتحان نوبت اول و نوبت دوم منطبق بر استاندارد آموزش و پرورش با پاسخ تشریحی

گام

سوم

بارم‌بندی درس عربی دوازدهم

مهارت‌های زبانی	موضوع	نمره
مهارت واژه‌شناسی (۲ نمره)	تشخیص معنای کلمه در جمله	۱
	مترادف و متضاد	۰/۵
	تشخیص کلمه ناهماهنگ	۰/۲۵
	نوشتن مفرد یا جمع اسم	۰/۲۵
مهارت ترجمه به فارسی (۹ نمره)	ترجمه جملات از عربی به فارسی	۷/۵
	انتخاب گزینه درست در ترجمه عربی به فارسی	۰/۵
	تکمیل ترجمه ناقص	۱
مهارت شناخت و کاربرد قواعد (۷ نمره)	ترجمه دقیق انواع فعل	۲
	تشخیص محل اعرابی کلمات و تحلیل صرفی یا موارد دیگر	۳
	تشخیص و ترجمه اسم فاعل، اسم مفعول، اسم مبالغه، اسم مکان و اسم تفضیل	۲
مهارت درک و فهم (۲ نمره)	وصل کردن واژگان به توضیحات مناسب یا پر کردن جاهای خالی با گزینه‌های مناسب	۱
	درک مطلب یا تعیین درست و نادرست بودن جملات بر اساس مفهوم آن‌ها یا موارد دیگر	۱

پرسش‌های تشریحی

الدَّرْسُ الْأَوَّلُ

- مهارت واژه‌شناسی ۶۵
 مهارت ترجمه به فارسی ۶۶
 مهارت شناخت و کاربرد قواعد ۶۹
 مهارت درک و فهم ۷۱
 مهارت مکالمه ۷۱

الدَّرْسُ الثَّانِي

- مهارت واژه‌شناسی ۷۵
 مهارت ترجمه به فارسی ۷۶
 مهارت شناخت و کاربرد قواعد ۷۸
 مهارت درک و فهم ۸۱
 مهارت مکالمه ۸۱

الدَّرْسُ الثَّالِثُ

- مهارت واژه‌شناسی ۸۶
 مهارت ترجمه به فارسی ۸۷
 مهارت شناخت و کاربرد قواعد ۹۰
 مهارت درک و فهم ۹۴
 مهارت مکالمه ۹۶

الدَّرْسُ الرَّابِعُ

- مهارت واژه‌شناسی ۱۰۳
 مهارت ترجمه به فارسی ۱۰۴
 مهارت شناخت و کاربرد قواعد ۱۰۷
 مهارت درک و فهم ۱۱۳
 مهارت مکالمه ۱۱۵

- امتحانات نوبت اول (میان‌سال) ۱۲۲
 امتحانات نهایی (خرداد ۱۳۹۸ تا خرداد ۱۴۰۱) ۱۳۰

درسنامه آموزشی

الدَّرْسُ الْأَوَّلُ

- الَّذِينَ وَالتَّائِبِينَ ۸
 واژگان ۱۰
 قواعد ۱۲
 تمرین ۱۷

الدَّرْسُ الثَّانِي

- مَكَّةَ الْمُكَرَّمَةَ وَالْمَدِينَةَ الْمُنَوَّرَةَ ۲۱
 واژگان ۲۳
 قواعد ۲۵
 تمرین ۳۱

الدَّرْسُ الثَّالِثُ

- الْكُتُبُ طَعَامُ الْفِكْرِ ۳۶
 واژگان ۳۹
 قواعد ۴۱
 تمرین ۴۸

الدَّرْسُ الرَّابِعُ

- الْفَرْزْدَقُ ۵۳
 واژگان ۵۵
 قواعد ۵۷
 تمرین ۶۰

ترجمه کلمه به کلمه و روان متن

الدِّينُ وَالتَّائِبُ (دین و دینداری)

﴿... أَقِمَّ وَجْهَكَ﴾	لِلدِّينِ	حَنِيفًا	يُونُسَ: ١٠٥
روی آور	به دین	یکتاپرست	

با یکتاپرستی به دین روی آور.

التَّائِبُ	فِطْرِيَّ	فِي	الْإِنْسَانِ	وَ	التَّارِيخُ	يَقُولُ	لَنَا:
دینداری	ذاتی	در	انسان	و	تاریخ	می‌گوید	به ما

دینداری در انسان ذاتی است و تاریخ به ما می‌گوید:

لَا	شُعْبَ	مِنْ	شُعُوبِ	الْأَرْضِ	إِلَّا	وَ	كَانَ لَهُ	دِينٌ	وَ	طَرِيقَةٌ	لِلْعِبَادَةِ.
هیچ ... نیست	ملت	از	ملت‌ها	زمین	مگر	و	داشت	دین	و	روش	برای عبادت

هیچ ملتی از ملت‌های زمین نیست مگر این‌که دینی و روشی برای عبادت داشته باشد.

فَالْآثَارُ	الْقَدِيمَةُ	الَّتِي	اُكْتَشَفَهَا	الْإِنْسَانُ،
پس آثار	قدیمی	که، کسی که	کشف کرد آن را	انسان

پس آثار قدیمی‌ای که انسان آن‌ها را کشف کرد [ه است]،

وَ	الْحَضَارَاتِ	الَّتِي	عَرَفَهَا	مِنْ	خِلَالِ	الْكِتَابَاتِ	وَ	النُّقُوشِ	وَ	الرُّسُومِ	وَ	التَّمَاثِيلِ،
و	تمدن‌ها	که، کسی که	شناخت آن را	از	میان	نوشته‌ها	و	نگاره‌ها	و	نقاشی‌ها	و	تندیس‌ها

و تمدن‌هایی که آن‌ها را از میان نوشته‌ها و نگاره‌ها و نقاشی‌ها و تندیس‌ها شناخت [ه است]،

تُؤَكِّدُ	اهْتِمَامَ	الْإِنْسَانِ	بِالدِّينِ	وَ	تَدُلُّ ^٣	عَلَى	أَنَّهُ ^٤	فِطْرِيَّ	فِي	وُجُودِهِ؛
تأکید می‌کند	توجه	انسان	به دین	و	راهنمایی می‌کند	بر	این‌که او	ذاتی	در	وجودش

توجه انسان به دین را تأکید می‌کند و بر این‌که آن (دین) در وجود او ذاتی است؛ راهنمایی می‌کند (دلالت می‌کند)

وَلَكِنَّهُ	عِبَادَتِهِ	وَ	شَعَائِرَهُ	كَانَتْ ^٥	خُرَافِيَّةً؛
ولی	عبادت‌هایش	و	مراسم‌هایش	بود	بیهوده (خرافی)

ولی عبادت‌هایش و مراسم‌هایش بیهوده (خرافی) بوده‌اند؛

مِثْلُ	تَعَدُّدِ	الْأَلِهَةِ	وَ	تَقْدِيمِ	الْقُرَابِينَ	لَهَا	لِكَسْبِ	رِضَاهَا	وَ	تَجَنُّبِ	شَرِّهَا.
مانند	چندگانگی	خدایان	و	تقدیم	قربانی‌ها	برای او	برای به‌دست آوردن	خشنودی او	و	دوری کردن	بدی او

مانند چند خدایی (چندگانگی خدایان) و تقدیم (پیشکش) قربانی‌ها به آن‌ها برای به‌دست آوردن خشنودی آن‌ها و دوری از بدیشان.

وَ	ازْدَادَتْ	هَذِهِ	الْخُرَافَاتِ	فِي	أَدْيَانِ	النَّاسِ	عَلَى	مَرَّ	الْعُصُورِ.
و	افزایش یافت	این	افسانه‌ها (خرافات)	در	دین‌ها	مردم	در	گذر	زمان‌ها

و در گذر زمان این افسانه‌ها (خرافات) در دین‌های مردم افزایش یافت.

وَلَكِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى لَمْ يَتْرُكْ ^٦ النَّاسَ عَلَى هَذِهِ الْحَالَةِ؛									
ولی	خدا	برتر و مقدس شد	و	بلندمرتبه شد	رها نکرده است	مردم	بر	این	حالت

ولی خداوند مقدس و بلندمرتبه مردم را بر این حالت رها نکرده است؛

١. «أَقِمَّ» فعل امر از باب إفعال است.

٢. «لَا» ی نفی جنس است.

٣. «تَدُلُّ» فعل مضارع از ریشه «د ل ل» است.

٤ و ٥. «أَنَّ» و «لَكِنَّ» از حروف مشبهة بالفعل هستند.

٦. «كَانَتْ» از افعال ناقصه است.

٧. «لَمْ يَتْرُكْ» رها نکرد، رها نکرده است (لم + فعل مضارع = ماضی ساده منفی یا ماضی نقلی منفی).

فَقَدْ قَالَ ^۱	في	كِتَابِهِ	الْكَرِيمِ:
پس گفته است	در	کتابش	کریم، پرمعنا، بخشنده

پس در کتاب باکرامت خود (قرآن کریم خود) فرموده است:

﴿...﴾	يَحْسَبُ	الْإِنْسَانُ	أَنْ يَشْكُرَ	سُدًى ^۲	الْقِيَامَةِ: ۳۶
آیا	می پندارد	انسان	که رها شود	بیهوده و پوچ	

آیا انسان می پندارد که بیهوده و پوچ رها [می] شود؟

لِذَلِكَ	أَرْسَلَ	إِلَيْهِمْ	الْأَنْبِيَاءَ	لِيُبَيِّنُوا ^۲	الصِّرَاطَ	الْمُسْتَقِيمَ	وَالدِّينَ	الْحَقَّ.
از این رو، بنابراین	فرستاد	به سویشان	پیامبران	تا آشکار و روشن کنند	راه	راست	و	دین حق

از این رو پیامبران را به سویشان فرستاد تا راه راست و دین حق را آشکار کنند.

وَقَدْ حَدَّثَنَا	الْقُرْآنُ الْكَرِيمُ	عَنْ	سِيرَةِ	الْأَنْبِيَاءِ عَلَيْهِ السَّلَامُ	وَصِرَاعِهِمْ	مَعَ أَقْوَامِهِمْ	الْكَافِرِينَ.
و سخن گفته است با ما	قرآن کریم	درباره، از	سرگذشت، روش و کردار	پیامبران عليه السلام	و کشمکش آن ها	با قوم هایشان	بی دین ها، کافران

و قرآن کریم از سرگذشت پیامبران عليه السلام و کشمکش آن ها با قوم های بی دین شان با ما سخن گفته است.

وَلَنَذْكُرَ	مَثَلًا	إِبْرَاهِيمَ	الْخَلِيلَ عليه السلام	الَّذِي	حَاوَلَ	أَنْ يُنْقِذَ	قَوْمَهُ	مِنْ	عِبَادَةِ	الْأَصْنَامِ.
و باید یاد کنیم	به عنوان مثال	ابراهیم	خلیل، دوست عليه السلام	که، کسی که	تلاش کرد	که نجات دهد	قومش	از	عبادت	بت ها

و باید به عنوان مثال ابراهیم خلیل عليه السلام را یاد کنیم که تلاش کرد قومش را از عبادت بت ها نجات دهد.

فَفِي	أَحَدٍ	الْأَعْيَادِ	لَمَّا ^۳	خَرَجَ	قَوْمَهُ	مِنْ	مَدِينَتِهِمْ،	بَقِيَ	إِبْرَاهِيمَ عليه السلام	وَحِيدًا،
پس در	یکی	عیدها، جشن ها	هنگامی که	بیرون رفت	قومش	از	شهرشان	باقی ماند	ابراهیم عليه السلام	تنها

پس در یکی از عیدها هنگامی که قومش از شهرشان بیرون رفتند، ابراهیم عليه السلام تنها باقی ماند،

فَحَمَلَ	فَأَسَاءَ،	وَكَسَرَ	جَمِيعَ	الْأَصْنَامِ	فِي	الْمَعْبَدِ	إِلَّا	الصَّنَمَ	الْكَبِيرَ،
پس حمل کرد، پس برد	تبر و	شکاند، شکست	همه، همگی	بت ها	در	معبد، عبادتگاه	مگر، جز	بت	بزرگ

پس تبری را [با خود] برد (برداشت) و در معبد همه بت ها جز بت بزرگ را شکست (شکاند)،

ثُمَّ	عَلَّقَ	الْفَأْسَ	عَلَى	كَتِفِهِ	وَتَرَكَ	الْمَعْبَدَ.
سپس	آویزان کرد	تبر	بر، روی	شانه اش، شانه آن	و ترک کرد	عبادتگاه

سپس تبر را روی شانه آن [بت] آویزان کرد و عبادتگاه را ترک کرد.

وَلَمَّا	رَجَعَ	النَّاسُ،	شَاهَدُوا	أَصْنَامَهُمْ	مُكَسَّرَةً،
و هنگامی که	بازگشت	مردم	دیدند	بت هایشان	شکسته شده

و هنگامی که مردم بازگشتند، بت هایشان را شکسته شده دیدند،

وَفَلَنَوْا	أَنْ ^۴	إِبْرَاهِيمَ عليه السلام	هُوَ	الْفَاعِلُ،
و گمان کردند	که، این که	ابراهیم عليه السلام	او	انجام دهنده

و گمان کردند که ابراهیم عليه السلام همان انجام دهنده است،

فَأَحْضَرُوهُ	لِلْمَحَاكِمَةِ	وَسَأَلُوهُ:
پس احضار کردند او را	برای محاکمه	پرسیدند او را

پس او را برای محاکمه احضار کردند و از او پرسیدند:

﴿...﴾	أَنْتَ	فَعَلْتَ	هَذَا	بِآيَاتِنَا	يَا	إِبْرَاهِيمَ ^۵	الْأَنْبِيَاءَ: ۶۲
آیا	تو	انجام دادی	این	با خدایان ما	ای	ابراهیم؟	

«... ای ابراهیم آیا تو این [کار] را با خدایان ما کرده ای؟»

۱. «قَدْ قَالَ: گفته است (قَدْ + فعل ماضی = ماضی ساده یا ماضی نقلی)»

۲. «لِيُبَيِّنُوا: تا آشکار کنند (لِ + فعل مضارع؛ در وسط عبارت بعد از فعل «أَرْسَلَ» آمده و علت آن را بیان می کند)»

۳. «لَمَّا» بر سر فعل ماضی به معنای «هنگامی که، زمانی که» است.

۴. «أَنْ» از حروف مشبهة بالفعل است.

فَأَجَابَهُمْ:	لِمَ	تَسْأَلُونَنِي؟!	إِسْأَلُوا	الصَّنَمَ	الْكَبِيرَ.
پس پاسخ داد آن‌ها را	چرا، برای چه	می‌پرسید مرا	پرسید	بت	بزرگ

پس به آن‌ها پاسخ داد: چرا از من می‌پرسید؟! از بت بزرگ پرسید.

بَدَأَ	الْقَوْمَ	يَتَهَامَسُونَ ^۲
شروع کرد	قوم	پچ پچ می‌کنند

قوم شروع به پچ پچ کردند:

«إِنَّ» ^۳	الصَّنَمَ	لَا يَتَكَلَّمُ؛	إِنَّمَا ^۴	يَقْصِدُ	إِبْرَاهِيمَ	الْإِسْتِهْزَاءَ	بِأَضْمَانَا.
همانا	بت	سخن نمی‌گوید	تنها، فقط	قصد دارد	ابراهیم	ریشخند کردن	به بت‌های ما

«قطعاً بت سخن نمی‌گوید؛ ابراهیم تنها قصد ریشخند کردن (مسخره کردن) بت‌های ما را دارد.»

وَ	هَنا	«قَالُوا	حَرْقَوْهُ	وَ	انْصُرُوا	آلِهَتَكُمْ ^۵	الانبياء: ۶۸
و	این‌جا	گفتند	بسوزانید او را	و	یاری کنید	خدایانتان	

و در این موقع «گفتند او را بسوزانید و خدایانتان را یاری کنید.»

فَقَذَّوْهُ	فِي	النَّارِ،	فَأَنْقَذَهُ	اللَّهُ	مِنْهَا.
پس انداختند او را	در	آتش	پس نجات داد او را	خدا	از آن

پس او را در آتش انداختند، و خدا او را از آن (آتش) نجات داد.

واژگان

آیه: خدایان، معبودها أَحْضَرُ: آورد، حاضر کرد الأصنام: بت‌ها أَعَانَ: یاری کرد (مضارع: يُعِينُ / مصدر: إعانة) أَعِنِي (فعل امر «أَعِنْ» + نون وقایه + ی): مرا یاری کن. أَقِمَّ وَجْهَكَ: روی بیاور (ماضی: أَقَامَ / مضارع: يُقِيمُ) اِكتَسَفَ: یافت، کشف کرد أَنَارَ: روشن کرد، نورانی کرد (مضارع: يُنِيرُ / مصدر: إنارة) «أَنِرْ (امر): روشن کن» الإنشراح: شادمانی الأنشودة: سرود أنقذ: نجات داد (مضارع: يُنقِذُ / مصدر: إنقاذ) بَدَؤُوا يَتَهَامَسُونَ: شروع به پچ پچ کردند (ماضی: تَهَامَسَ / مضارع: يَتَهَامَسُ) الْبَسْمَات: لبخندها	تَأَكَّدَ: مطمئن شد (مصدر: تَأَكَّد) تَبِعَ: تعقیب کرد، به دنبال ... رفت (مضارع: يَتَّبِعُ) التَّجَنَّبَ: دوری کردن (ماضی: تَجَنَّبَ / مضارع: يَتَجَنَّبُ) حَرَّقَ: سوزاند الْحَطَّ: بخت، شانس حَمَى -: پشتیبانی کرد، حمایت کرد (مضارع: يَحْمِي) «إحْمِنِي (فعل امر «إحْمِ» + نون وقایه + ی): از من پشتیبانی کن» الْحَنِيفَ: یکتاپرست خِدا: فریب حَذُوا (فعل امر): بگیرید (ماضی: أَخَذَ: گرفت) الْخُرَافَةُ: سخن بیهوده و باوه، افسانه، موهوم‌پرستی الدِّينَ الْحَنِيفَ: دین راستین السَّجُنَ: زندان السَّدى: بیهوده و پوچ سَعَى: تلاش کرد، شتافت «إسْعُوا (امر): بشتابید»	السَّلَام: آشتی، صلح السَّيرَةُ: روش و کردار، سرگذشت الشَّعَائِرُ: مراسم الصَّراع: کشمکش عَلَّقَ: آویخت الْفَاسَ: تبر الفطري: ذاتی، درونی، طبیعی الْقَرَابِينَ: قربانی‌ها الْكَيْفَ، الْكِتَفَ: شانه كَسَرَ: شکست كونوا (فعل امر): باشید (ماضی: كان: بود) لا ... لَهُ: ندارد المُجِيبَ: برآورنده، اجابت‌کننده ما يَلِي: آن‌چه می‌آید مَكْسُورَ: شکسته النَّقُوشَ: کنده‌کاری‌ها، نگاره‌ها
---	---	--

۱. «لِمَ: چرا، برای چه» مخفف «لِمَاذا» است.

۲. فعل مضارع بعد از «بَدَأَ» به صورت مصدر ترجمه می‌شود. بَدَأَ ... يَتَهَامَسُونَ: شروع به پچ پچ [کردن] کردند.

۳. «إِنَّ» از حروف مشبَّهَةٌ بالفعل است.

۴. «إِنَّمَا» به معنای «فقط، تنها» از ادات حصر است نه حرف مشبَّه بالفعل.

سَبْرَة = سَلُوك	سُدَى = عَبَثًا	اِكْتَسَبَ = حَصَلَ عَلَى	تَذَلُّ = ثَرِيْدُ	حَنِيف = مُوحَّد
کردار، رفتار	پوچ و بیهوده	به دست آورد	راهنمایی می کند	یکتا پرست
سَوَى = غَیْر = اِلَّا	غَايَة = هَدَف	اَنْقَذَ = اَنْجَى	عید = حَفْلَة	اِكْتَشَفَ = وَجَدَ
به جز	هدف	نجات داد	جشن	یافت
شَرَّ = سَوء	طَرِيق = سَبِيل	اَرْسَلَ = بَعَثَ	داء = مَرَض	رَأَى = شَاهَدَ
بدی	راه	فرستاد	بیماری	دید
أَعَانَ = سَاعَدَ	حَظَّ = لَذَة = نَصِيب	حَسِبَ = ظَنَّ	اِهْتِمَام = عِنَايَة	قَدَفَ = رَمَى
یاری کرد، کمک کرد	بخت، بهره، کامیابی	گمان کرد، پنداشت	توجه	انداخت، پرتاب کرد
حَدَّثَ = كَلَّمَ	اِبْتَسَمَ = ضَحِكَ	سَلَام = صَلَح	أَنَارَ = أَضَاءَ	فَرَح = شُرُور = بَهْجَة = اِنْشِرَاح
سخن گفت	لبخند زد، خندید	آشتی، صلح	روشن کرد	شادمانی
حَرَقَ ≠ اَطْفَأَ	صِرَاع، نِزَاع ≠ سَلَمَ	اِزْدَادَ ≠ قَلَّ	تَجَنَّبَ ≠ تَقَرَّبَ	حَنِيف، مُوَحَّد ≠ مُشْرِك
سوزاند ≠ خاموش کرد	درگیری، کشمکش ≠ آشتی	زیاد شد ≠ کم شد	دوری کردن ≠ نزدیک شدن	یکتا پرست ≠ چندگانه پرست، مشرک
رَجِمَ، غَفَرَ ≠ عَاقَبَ	غَضِبَ ≠ هَدَأَ	حَسِبَ ≠ اِطْمَأَنَّ، عَلِمَ، اَدْرَكَ	تَهَامَسَ ≠ صَرَخَ	أَخَذَ ≠ قَدَفَ، رَمَى
رحم کرد، آمرزد ≠ تنبیه کرد، کیفر داد	خشمگین شد ≠ آرام شد	پنداشت ≠ مطمئن شد، دانست	پچ پچ کرد ≠ فریاد زد	گرفت ≠ انداخت
أَجَابَ ≠ سَأَلَ	خُرَافَة ≠ حَقِيقَة	تَارِكَ ≠ مُتَمَائِل	خَفِيَ ≠ ظَاهِر	أَعْلَى ≠ أَرْحَصَ
پاسخ داد ≠ پرسید	افسانه، موهوم ≠ حقیقت	رها کننده ≠ مایل	پنهان ≠ آشکار	گران تر ≠ ارزان تر
	خَيْرَ ≠ شَرَّ	إِضَاءَة، إِنَارَة ≠ إِطْفَاء	أَضْحَكَ ≠ أَبْكَى	اِبْتَسَمَ، ضَحِكَ ≠ بَكَى
	خوبی ≠ بدی	روشن کردن ≠ خاموش کردن	خندانید ≠ گریانید	لبخند زد، خندید ≠ گریه کرد
تَمَائِلَ ← اِثْمَال	رُسُومَ ← رَسَم	نُقُوشَ ← نَقَش	آثَارَ ← أَثَر	شُعُوبَ ← شَعْب
تندیس، مجسمه	نقاشی	کنده کاری، نگاره	اثر، نشانه	ملت
أَنْبِيَاءَ ← نَبِي	أَدْيَانَ ← دِين	قَرَابِينَ ← قُرْبَان	آلِهَة ← اِلَه	شَعَائِرَ ← شَعِيرَة
پیامبر	دین	قربانی	معبود	مراسم
أَحَادِيثَ ← حَدِيث	أَكْتَفَ ← كَتَفَ	أَعْيَادَ ← عِيد	أَصْنَامَ ← صَنَم	أَقْوَامَ ← قَوْم
گفتار، حدیث	شانه	عید، جشن	بت	قوم، گروه
عِبَادَ ← عَابَد	عِبَادَ ← عَبَدَ	مُدُنَ ← مَدِينَة	عِظَامَ ← عَظْم	أَبْيَاتَ ← بَيْت
عبادتگر	بنده	شهر	استخوان	خانه، بیت شعری
شُرُورَ ← شَرَّ	بِلَادَ ← بَلَدَ	أَعْضَاءَ ← عُضْو	حُظُوظَ ← حَظَّ	أَنَاشِيدَ ← أُنْشُودَة
بدی	شهر، کشور	عضو	بخت، بهره	سرود
				فُؤُوسَ ← فَأْسَ
				تبر

مترادف

متضاد

جمع
مکسر

□ عَيْنِ الصَّحِيحِ وَ الْخَطَا حَسَبَ نَصِّ الدَّرْسِ. (بر اساس متن درس، درست و نادرست را مشخص کن.) ✓ ✕

- ✓ ۱- كَانَ الْهَدَفُ مِنْ تَقْدِيمِ قَرْبَانِيْنَ لِلْإِلَهِ كَسَبَ رِضَاهَا وَ تَجَنَّبَ شَرَّهَا.
(هدف از تقدیم قربانی‌ها به خدایان به‌دست آوردن خشنودی آن‌ها و دوری کردن از بدی‌شان بود.)
- ✕ ۲- عَلَّقَ إِبْرَاهِيمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ الْفَأْسَ عَلَى كَيْفِ أَصْغَرَ الْأَضْنَامِ.
(ابراهیم عليه السلام تبر را روی شانه کوچک‌ترین بت‌ها آویزان کرد.)
- ✕ ۳- لَمْ يَكُنْ لِيَبْغِضِ الشُّعُوبَ دِينٌ أَوْ طَرِيقَةً لِلْعِبَادَةِ.
(برخی از ملت‌ها دینی یا روشی برای عبادت نداشتند.)
- ✓ ۴- الْأَثَارُ الْقَدِيمَةُ تُؤَكِّدُ اهْتِمَامَ الْإِنْسَانِ بِالْدِّينِ.
(آثار قدیمی توجه انسان به دین را تأکید می‌کند.)
- ✓ ۵- إِنَّ التَّدْيِينَ فِطْرِي فِي الْإِنْسَانِ.
(همانا دینداری در انسان ذاتی است.)
- ✓ ۶- لَا يَتَزَكَّ اللَّهُ الْإِنْسَانُ سُدًى.
(خدا انسان را بیهوده و پوچ رها نمی‌کند.)

قواعد

معاني الحروف المشبهة بالفعل و لا التافية للجنس

۱- الحروف المشبهة بالفعل

به حروف «إِنَّ، أَنْ، كَأَنَّ، لَيْتَ، لَعَلَّ» حروف مشبّهه بالفعل می‌گویند.

تست ۱ عَيْنَ عِبَارَةٍ مَا جَاءَ فِيهَا الْحُرُوفُ الْمُسَبَّهَةُ بِالْفِعْلِ:

- (۱) إِنَّ الْمَسَاجِدَ بَيُوتُ اللَّهِ فِي الْأَرْضِ!
(۲) لَعَلَّ الطَّمَعِ يَدْفَعُ الْإِنْسَانَ إِلَى الْبَلَاءِ!
(۳) كَانَ إِبْرَاهِيمُ قَدْ كَسَرَ الصَّنَمَ الْكَبِيرَ!
(۴) «... الْمِصْبَاحُ فِي رُجَاةٍ كَأَنَّهَا كَوْكَبٌ دَرِّيٌّ»

پاسخ در گزینه (۱) «إِنَّ» حرف مشبّهه بالفعل است. در گزینه (۲) «لَعَلَّ» حرف مشبّهه بالفعل است. در گزینه (۳) «كَانَ» فعل ناقصه است. در گزینه (۴) «كَأَنَّ» حرف مشبّهه بالفعل است؛ بنابراین پاسخ تست گزینه (۳) می‌باشد.

معاني حروف مشبهة بالفعل

✱ إِنَّ: جمله پس از خود را تأکید می‌کند و به معنای «قطعاً، همانا، به درستی که، بی‌گمان» است.

مثال إِنَّ الْمُؤْمِنِينَ صَادِقُونَ.

«... إِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ» التَّوْبَةُ: ۱۲۰ بی‌گمان خدا پاداش نیکوکاران را تباه نمی‌کند.

✱ أَنْ: به معنای «که، این‌که» است و در بین دو جمله می‌آید و آن‌ها را به هم پیوند می‌دهد.

مثال العلماء يعتقدون أَنَّ العلوم التافعة تُسَبِّحُ تَقَدُّمَ المجتمع. دانشمندان اعتقاد دارند که دانش‌های سودمند باعث پیشرفت جامعه می‌شوند.

«قَالَ أَغْلَمُ أَنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» الْبَقَرَةُ: ۲۵۹ گفت می‌دانم که خدا بر هر چیزی تواناست.

✱ كَأَنَّ: به معنای «گویی» و «مانند» است.

مثال كَأَنَّ الْمُؤَدَّنَ قَدْ حَضَرَ لِيُؤَدَّنَ!

گویی اذان‌گو حاضر شده است تا اذان بگوید!

آنان مانند یاقوت و مرجانند.

«كَأَنَّهُنَّ الْيَاقُوتُ وَالْمَرْجَانُ» الرَّحْمَن: ۵۸

كَأَنَّ إِرْضَاءَ جَمِيعِ النَّاسِ غَايَةٌ لَا تُدْرَكُ.

گویی خشنود ساختن همه مردم هدفی است که به‌دست آورده نمی‌شود.

✱ لَكِنَّ (ولیکن): به معنای «ولی» و برای کامل کردن پیام و برطرف کردن ابهام از جمله قبل از خودش است.

مثال اعتذر الطالب من فعله لَكِنَّ زميله ما قبل عذره. دانش‌آموز از کارش پوزش خواست ولی هم‌شاگردی‌اش پوزش او را نپذیرفت.

«إِنَّ اللَّهَ لَذُو فَضْلٍ عَلَى النَّاسِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَشْكُرُونَ» الْبَقَرَةُ: ۲۴۳

بی‌گمان خدا دارای بخشش بر مردم است ولی بیش‌تر مردم سپاسگزاری نمی‌کنند.

❖ **لَيْتَ:** به معنای «کاش» و بیانگر آرزوست و به صورت «یا لیت» هم به کار می‌رود.

مثال لَيْتَ الْمُسْلِمِينَ مَتَّحِدُونَ. **کاش** مسلمانان متحد باشند.

﴿وَيَقُولُ الْكَافِرُ يَا لَيْتَنِي كُنْتُ تُرَاباً﴾ الْتَبَّ: ٤٠ و کافر می‌گوید **ای کاش** من خاک بودم!

❖ **لَعَلَّ:** به معنای «شاید» و «امید است»، بیانگر امید (رجا) است.

مثال لَعَلَّ الْفَرَجَ قَرِيبٌ. **شاید** گشایش نزدیک باشد.

﴿إِنَّا جَعَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ﴾ الرَّحْرَفُ: ٣ بی‌گمان ما آن را قرآن عربی قرار دادیم **شاید** (امید است) شما خردورزی کنید.

تست ۲ عَيْنِ الصَّحِيحِ فِي تَرْجُمَةِ الْعِبَارَاتِ:

(۱) اِشْتَرَى أَبِي سَوْرًا لِأَخْتِي وَلَكِنَّهَا فَقَدَتْهُ! پدرم دستبندی را برای خواهرم خرید، شاید او آن را گم کند!

(۲) «يَا لَيْتَ لَنَا مِثْلَ مَا أُوتِيَ قَارُونُ»: ای کاش مثل آن چه به قارون داده شد، داشتیم.

(۳) «إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ»: این که انسان در زیان کاری است.

(۴) كَأَنَّ السَّمَاءَ قَبْةً فَوْقَ رُؤُوسِنَا! آسمان گنبدی بالای سرهایمان بود!

پاسخ در گزینه (۱) «ولكن» به معنای «ولی، اما»، و فعل ماضی «فَقَدَتْ» به معنای «گم کرد، از دست داد» می‌باشد. در گزینه (۲) «يَا لَيْتَ» به معنای «ای کاش» و جاز و مجرور «لَنَا» با توجه به «يَا لَيْتَ» به معنای «داشتیم» می‌باشد. در گزینه (۳) «إِنَّ» به معنای «به درستی که، بی‌گمان، همانا، قطعاً» است. در گزینه (۴) «كَأَنَّ» به معنای «گویي که، مثل این که» می‌باشد؛ بنابراین پاسخ تست گزینه (۲) می‌باشد.

نکات

❖ **حرف «إِنَّ»** با حرف «أَنَّ»:

۱- اَوَّلُ عِبَارَتٍ مِي‌آيد.

۲- بعد از فعل «قَالَ، ...» و مشتقات آن «يَقُولُ، ... / قُلْ، ...» می‌آید؛ در صورتی که فعل دیگری میانشان نیاید.

۳- بعد از «يَا / أَيُّهَا + اسم» می‌آید.

مثال إِنَّ الْإِسْلَامَ دِينُ الْعِبَادَةِ.

قَالَ الْمَعْلَمُ: إِنَّ الْإِمْتِحَانَ سَهْلٌ.

يَا مَعْلَمُ، إِنَّا جَاهِزُونَ.

قطعاً اسلام دین عبادت است.

معلم گفت: **همانا** امتحان آسان است.

ای معلم، **قطعاً** ما آماده هستیم.

حرف «أَنَّ» در وسط عبارت و معمولاً پس از فعلی غیر از فعل «قَالَ» و مشتقات آن می‌آید.

مثال ﴿أَلَمْ تَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾ آیا ندانستی که خداوند بر هر چیزی توانا است.

❖ **کلمه «لِأَنَّ»** (لِ + أَنَّ) به معنای «زیرا، برای این که، چون» معمولاً در پاسخ کلمه پرسشی «لِمَاذَا: چرا، برای چه» می‌آید.

چرا با هواپیما سفر نکردی؟

زیرا بلیط هواپیما گران است.

مثال لِمَاذَا مَا سَافَرْتَ بِالطَّائِرَةِ؟

لِأَنَّ بِطَاقَةَ الطَّائِرَةِ غَالِيَةً.

توجه: گاهی کلمه «لِأَنَّ» در عبارت، دلیل عمل پیش از خود را بیان می‌کند که علاوه بر معنای «زیرا، برای این که، چون» به صورت «چرا که، چه» نیز آورده می‌شود.

مثال دَهَبْتُ إِلَى الْمَسْتَشْفَى لِأَنَّنِي كُنْتُ مَرِيضًا.

به بیمارستان رفتم **زیرا** (برای این که، چون، چرا که، چه) من مریض بودم.

لِلدَّلْفِينِ ذَاكِرَةٌ قَوِيَّةٌ لِأَنَّهُ حَيَوَانٌ ذَكِيٌّ.

دلفین حافظه‌ای قوی دارد، **زیرا** (برای این که، چون، چرا که، چه) او حیوان باهوشی است.

❖ «إِنَّمَا وَ أَتَمَّا» اگر در ابتدای عبارتی باشند، حرف مشبّه بالفعل محسوب نمی‌شوند و در ترجمه کلمه «فقط، تنها» معمولاً خبر یا فاعل جمله را محصور می‌کند.

خداوند **فقط** عادل است.

مثال إِنَّمَا اللَّهُ عَادِلٌ.

﴿إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ﴾ از بندگان (بندگان خدا)، **فقط** دانشمندان از خدا می‌ترسند.

تست ۳ عَيْنَ غَيْرِ الْمُنَاسِبِ لِلْفَرَاقَاتِ مِنَ الْحُرُوفِ الْمَشْتَبِهَةِ بِالْفِعْلِ:

- (۱) نَصَعْتُ الْجَبَلَ الْجَوُّ لَطِيفٌ جِدًّا! لَأَنَّ
(۲) بعد کلامی قَالَ أَصْدِقَائِي مجنون! كَأَنَّكَ
(۳) سنی كنتُ أحاول للوصول إلى أهدافي! لَيْتَ
(۴) سنا مطمئنون في هذا العمل! لَعَلَّ

پاسخ به ترجمه حروف مشتبّه بالفعل به همراه عبارت‌ها توجه کنید: گزینه (۱): «از کوه بالا می‌رویم زیرا هوا بسیار لطیف است!» گزینه (۲): «بعد از سختم دوستانم گفتند گویی تو دیوانه هستی!» گزینه (۳): «کاش برای رسیدن به هدف‌هایم تلاش می‌کردم!» گزینه (۴): «شاید ما در این کار مطمئن هستیم!»؛ بنابراین پاسخ تست گزینه (۴) است؛ زیرا «تردید و اطمینان» در یک جمله جمع نمی‌شوند.

تست ۴ عَيْنَ الْخَطَا فِي تَرْجُمَةِ الْأَفْعَالِ الْمَعْيَنَةِ:

- (۱) وَلَكِنْ اللَّهُ لَمْ يَتْرِكِ النَّاسَ عَلَى هَذِهِ الْحَالَةِ! رها نکرده است
(۲) قَدْ حَدَّثَنَا الْمُرْشِدُ عَنِ التَّقْوِشِ! سخن گفته است
(۳) لَيْتَ كُلَّ النَّاسِ يَتَكَلَّمُونَ عَلَى قَدْرِ عِلْمِهِمْ! سخن می‌گویند
(۴) حَاوَلَ الرَّجُلُ أَنْ يَنْقِذَ الْغَرِيقَ مِنَ الْغَرَقِ! که نجات دهد

پاسخ در گزینه (۱) فعل «لَمْ يَتْرِكْ» (لم + فعل مضارع) به صورت ماضی ساده منفی «رها نکرد» یا ماضی نقلی منفی «رها نکرده است» ترجمه می‌شود. در گزینه (۲) فعل «قَدْ حَدَّثَ» (قد + فعل ماضی) به صورت ماضی نقلی «سخن گفته است» ترجمه می‌شود. در گزینه (۳) فعل «يَتَكَلَّمُونَ» تحت تأثیر حرف «لَيْتَ» کاش» به صورت مضارع التزامی «سخن بگویند» ترجمه می‌شود. در گزینه (۴) فعل «أَنْ يَنْقِذَ» (أَنْ + فعل مضارع) به صورت مضارع التزامی «که نجات دهد» ترجمه می‌شود؛ بنابراین پاسخ تست گزینه (۳) می‌باشد.

اخْتَبِرْ نَفْسَكَ (۱) (خود را بیازماید):

تَرْجِمْ هَاتَيْنِ الْآيَتَيْنِ الْكَرِيمَتَيْنِ. (این دو آیه کریمه را ترجمه کن.)

۱. ﴿فَهَذَا يَوْمُ الْبَعْثِ وَلَكِنَّكُمْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ﴾ الرَّوم: ۵۶

پس این [روز]، روز رستاخیز است ولی شما نمی‌دانستید.

۲. ﴿إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفًّا كَانَهُمْ بُنَيَانٌ مَرْصُوفٌ﴾ الْصَّف: ۴

قطعاً خدا کسانی که صف بسته در راه او پیکار می‌کنند را دوست می‌دارد گویی آن‌ها ساختمانی استوار هستند.

۲- لَا النَّافِيَةُ لِلْجِنْسِ (لا نفی جنس)

«لا»ی نفی جنس حرفی است که برای «نفی مطلق» بر سر اسم نکره آورده می‌شود و در فارسی «هیچ ... نیست» ترجمه می‌شود.

❖ «لا»ی نفی جنس، همیشه بر سر جمله اسمیه می‌آید و اسم پس از آن همیشه حرکت فتحه (-) دارد.

مثال

لَا عَدُوٌّ أَخْطَرُ مِنَ الْجَهْلِ. هیچ دشمنی خطرناک‌تر از نادانی نیست.

لَا فَقْرٌ أَشَدَّ مِنَ الْجَهْلِ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ هیچ فقری سخت‌تر از نادانی نیست.

لَا كُفْرٌ أَغْنَى مِنَ الْقَنَاعَةِ. أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ هیچ گنجی بی‌نیاز کننده‌تر از قناعت نیست.

﴿لَا عِلْمَ لَنَا إِلَّا مَا عَلَّمْتَنَا﴾ الْبَقَرَة: ۳۲ جز آن چه به ما آموختی، هیچ دانشی نداریم. (هیچ دانشی برای ما نیست؛ توجه: «لا...لنا» به

معنای «نداریم» نیز می‌باشد.)

❖ اگر در عبارتی که بعد از «لا»ی نفی جنس می‌آید، فعل باشد، آن فعل به صورت منفی ترجمه می‌شود.

مثال لَا مُجْتَهِدٌ يَتَكَاسَلُ فِي حَيَاتِهِ! هیچ تلاشگری در زندگی‌اش تنبلی نمی‌کند.

❖ «لا»ی نفی جنس با حرف «لا» در موارد زیر اشتباه نشود:

۱ «لا»ی جواب به معنای «نه» در پاسخ به «هَلْ» و «أَمْ»

مثال هَلْ تَذْهَبُ إِلَى الْمَلْعَبِ؟ لَا، أَذْهَبُ إِلَى الْبَيْتِ. آیا به ورزشگاه می‌روی؟ نه، به خانه می‌روم.

أَنْتَ مِنْ بَجُنُودٍ؟ لَا، أَنَا مِنْ بَيْرَجَنْدٍ. آیا تو اهل بجنورد هستی؟ نه، من اهل بیرجند هستم.

۲ «لا»ی نفی مضارع

مثال لَا يَذْهَبُ: نمی‌رود / الْمُؤْمِنُونَ لَا يَكْذِبُونَ الْآخَرِينَ. مؤمنان به دیگران دروغ نمی‌گویند.

۳ «لا»ی نهی

مثال لَا تَذْهَبْ: نرو لَا تَكْتُبُوا فِي الْكِتَابِ: در کتاب ننویسید.

۴ «لا»ی عطف در وسط عبارت برای تأیید قبل از خود و ردّ بعد از خود

مثال جَاءَ عَلِيٌّ لَا سَعِيدٌ. علی آمد نه سعید.

يَنْتَصِرُ الْحَقُّ لَا الْبَاطِلُ. حق پیروز می‌شود نه باطل.

تست ۵ عَيْن «لا» النَّافِيَةِ لِلْجِنْسِ:

- (۱) لَا أَتْرُكُ أَعْمَالِي الْيَوْمِيَّةَ!
(۲) لَا نَفْعَ فِي التَّفَرُّقَةِ بَيْنَ النَّاسِ!
(۳) أَلَا تَعْلَمُ أَنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ مُحِيطٌ!
(۴) لَا يَيَاسُ الْإِنْسَانُ مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ!

پاسخ در گزینه (۱) «لا» همراه فعل «لَا أَتْرُكُ: ترک نمی‌کنم»، لای نفی است. در گزینه (۲) «لا» همراه اسم «لا نَفْعَ: هیچ سودی ... نیست»، لای نفی جنس است. در گزینه (۳) «لا» همراه فعل «لَا تَعْلَمُ: نمی‌دانی»، لای نفی است. در گزینه (۴) «لا» همراه فعل «لَا يَيَاسُ: نباید ناامید شود»، لای نهی است؛ بنابراین پاسخ تست گزینه (۲) می‌باشد.

تست ۶ عَيْنُ الْخَطَا فِي تَرْجُمَةِ الْعِبَارَاتِ:

- (۱) لَا سَعَادَةَ أَعْلَى مِنْ رِضَا اللَّهِ: هیچ سعادتی بالاتر از خشنودی خدا نیست!
(۲) لَيْتَ مَعْلَمِي يَضْحَكُ فِي الصَّفِّ مَرَّةً وَاحِدَةً! کاش معلمم یک بار در کلاس می‌خندید!
(۳) إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ يَتَوَكَّلُونَ عَلَى اللَّهِ! تنها مؤمنان بر خدا توکل می‌کنند!
(۴) إِنَّ مُسْتَقْبَلَ الْأُمَّةِ بَيْنَ الْمَعْلَمِ: به درستی که آینده امت در دست معلم است!
- پاسخ** در گزینه (۱) با توجه به لای نفی جنس در ترجمه، «هیچ ... نیست» آمده است. در گزینه (۲) فعل مضارع تحت تأثیر «لَيْتَ» به صورت مضارع التزامی «بخندد» ترجمه می‌شود. در گزینه (۳) «إِنَّمَا» از ادات حصر است و به صورت «تنها، فقط» ترجمه می‌شود. در گزینه (۴) با حرف «إِنَّ» جهت تأکید به صورت «به درستی که، ...» ترجمه می‌شود؛ بنابراین پاسخ تست گزینه (۲) می‌باشد.

ویژه علاقمندان

- حروف مشبّهة بالفعل بر سر جمله اسمیه می‌آیند و برای خود، اسم و خبر دارند و ضمن تغییراتی در اعراب اسم پس از خود، در معنا هم تأثیرگذارند.**
- مثال** اللَّهُ عَادِلٌ. (خدا عادل است.) ← إِنَّ اللَّهَ عَادِلٌ. (قطعاً خدا عادل است.)
الطِّفْلُ يَبْكِي. (کودک می‌گرید.) ← كَأَنَّ الطِّفْلَ يَبْكِي. (گویی کودک می‌گرید.)
- اگر اسم حروف مشبّهة بالفعل، نکره و خبر آن جاّز و مجرور یا ظرف باشد، خبر بر اسم مقدّم می‌شود.**
- مثال** إِنَّ فِي الصَّفِّ تَلْمِيزًا. (به راستی در کلاس، دانش‌آموزی است.) لَيْتَ عِنْدِي أَخًا. (ای کاش برادری داشتم.)
خبر مقدّم لَيْتَ از نوع جاّز و مجرور/ اسم مؤخّر لَيْتَ
- اگر جمله اسمیه با ضمیر منفصل «أنا، أنت، هو، ...» شروع شود و بخواهیم حروف مشبّهة بالفعل ابتدای عبارت بیاوریم، ضمیر منفصل به ضمیر متصل تبدیل می‌شود و به حروف مشبّهة بالفعل می‌چسبد.**
- مثال** هُوَ نَاجِحٌ. (او موفق است.) ← إِنَّهُ نَاجِحٌ. (همانا او موفق است.)
أَنْتَ تَصَدَّقُ. (تو راست می‌گویی.) ← لَعَلَّكَ تَصَدَّقُ. (شاید تو راست بگویی.)
نَحْنُ نَسْتَمِعُ الْقُرْآنَ. (ما به قرآن گوش می‌دهیم.) ← إِنَّا نَسْتَمِعُ الْقُرْآنَ. (همانا ما به قرآن گوش فرا می‌دهیم.)
- فعل مضارع در جمله دارای «لَعَلَّ» و «لَيْتَ» به صورت «مضارع التزامی» ترجمه می‌شود.**
- مثال** لَعَلَّ حَمِيداً يُسَافِرُ! شاید حمید سفر کند!
لَيْتَ صَدِيقِي يَنْجَحُ فِي الْمُسَابَقَةِ! کاش دوستم در مسابقه پیروز شود!
لَيْتَنِي أَشَاهِدُ جَمِيعَ مَدَنٍ بِلَادِي! کاش همه شهرهای کشورم را ببینم!
- فعل ماضی در جمله دارای «لَيْتَ» را با توجه به جایگاهش در متن می‌توان «ماضی استمراری یا ماضی بعید» ترجمه کرد.**
- مثال** لَيْتَ نَاصِرًا ابْتَعَدَ عَنِ الْكُسَلِ! کاش ناصر از تنبلی دوری می‌کرد (دوری کرده بود)!
ماضی استمراری ماضی بعید
- اسم «لا»ی نفی جنس، هیچ‌گاه همراه «ال» نمی‌آید و همیشه مبنی بر فتح (-) است و هیچ‌گاه خبر بر آن مقدّم نمی‌شود.**
- اگر «لا» همراه حرف جرّ «بِ» باشد، لای نفی جنس نیست و اسم پس از آن، مجرور به حرف جرّ «بِ» می‌باشد.**
- مثال** العالم بلا عمل كالشجر بلا ثمر. عالم بی‌عمل مانند درخت بدون میوه است.
- شرایط حذف خبر لای نفی جنس:**
- ۱- اگر دوتا «لا»ی نفی جنس در عبارتی آورده شود و حرف عطفی مانند «و» میان آن دو بیاید، در این صورت خبر «لا»ی دوم به قرینه لفظی حذف می‌شود.

مثال لا مَالَ لَهٗ و لا بَيْتَ لَهٗ. هیچ مالی ندارد (برای او نیست) و هیچ خانه‌ای [ندارد] (برای او نیست).
اسم لای نفی جنس / خبر لای نفی جنس «جَزَّ و مَجْرور» / اسم لای نفی جنس و «لَهٗ» خبر محذوف لای نفی جنس به قرینه لفظی
۲- اگر در جمله، حرف «إِلَّا» باشد، خبر به قرینه معنوی «موجود» محذوف است.

مثال لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ. **در اصل** لا إِلَهَ [موجود] إِلَّا اللَّهُ. هیچ الهی جز خدا [موجود] نیست.
اسم لای نفی جنس و «موجود» خبر محذوف لای نفی جنس به قرینه معنوی

۳- اگر جملاتی مانند «لَا شَيْءَ، لَا بَأْسَ، لَا زَيْبَ، ...» به تنهایی آورده شوند و بعد از آن‌ها جَزَّ و مَجْرور به عنوان خبر نیاید، خبر لای نفی جنس به قرینه معنوی محذوف است.
مثال لا بَأْسَ. هیچ اشکالی نیست. **در اصل** لا بَأْسَ عَلَيْكَ. هیچ اشکالی بر تو نیست.

اسم لای نفی جنس و خبر لای نفی جنس به قرینه معنوی محذوف است.

❁ اگر در عبارتی که ابتدای آن با صیغه‌های ماضی از فعل «بَدَأَ، بَدَأَتْ ... / أَخَذَ، أَخَذَتْ ...» به معنای «شروع کرد» باشد، فعل مضارعی بیاید، آن فعل مضارع به صورت مصدر ترجمه می‌شود.

مثال بَدَأَ الْمُعَلِّمُ يَدْرُسُ.

معلم درس دادن را شروع کرد.

أَخَذَ الطَّالِبُ يَكْتُبُ واجباته.

دانش‌آموز شروع به نوشتن تکلیف‌هایش کرد.

تست ۷ عَيْنِ الصَّحِيحِ فِي أُسْلُوبِ الْعِبَارَاتِ:

- (۱) إِنَّ أَنْتُمْ لَا تَحْصُلُونَ عَلَى التَّجَاحِ دُونَ الْجَهْدِ!
- (۲) لَا الْكَلَامَ أَشَدُّ مِنَ الْحَقِّ!
- (۳) لَا قَفْلًا إِلَّا يَفْتَحُهُ مِفْتَاحُ الْمَحَبَّةِ!
- (۴) كَأَنَّكَ تُسَاعِدُ ذَا الْحَاجَةِ!

پاسخ در گزینه (۱) بعد از حرف «إِنَّ» ضمیر منفصل «أَنْتُمْ» آمده که باید ضمیر متصل «كَمْ (إِنَّكُمْ)» باشد. در گزینه (۲) اسم «لا» ی نفی جنس به همراه «ال» آمده که باید بدون «ال» یعنی «کلام» باشد. در گزینه (۳) اسم لای نفی جنس، با تنوین (-) آمده که باید با فتحه (-) باشد. در گزینه (۴) بعد از حرف «كَأَنَّ» ضمیر متصل «كَ» آمده است؛ بنابراین پاسخ تست گزینه (۴) می‌باشد.

اخْتَبِرْ نَفْسَكَ (۲) (خودت را بیازمای.)

تَرْجِمْ هَذِهِ الْأَحَادِيثَ حَسَبَ قَوَاعِدِ الدَّرْسِ. (بر اساس قواعد درس این احادیث را ترجمه کن.)

۱. «لَا خَيْرَ فِي قَوْلٍ إِلَّا مَعَ الْفَعْلِ». رَسُولُ اللَّهِ ﷺ
هیچ خیری در سخنی نیست مگر آن‌که با عمل همراه باشد.
۲. «لَا جِهَادَ كَجِهَادِ النَّفْسِ». أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ
هیچ پیکاری مانند پیکار با نفس (خود) نیست.
۳. «لَا لِبَاسٍ أَجْمَلُ مِنَ الْعَافِيَةِ». أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ
هیچ لباسی زیباتر از سلامتی نیست.
۴. «لَا فَقْرٌ كَالْجَهْلِ وَلَا مِيرَاثٌ كَالْأَدَبِ». أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ
هیچ فقری مانند نادانی و هیچ میراثی مانند ادب نیست.
۵. لَا سُوءَ أَسْوَأَ مِنَ الْكَذِبِ. أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ
هیچ بدی‌ای بدتر از دروغ نیست.

اخْتَبِرْ نَفْسَكَ (۳) (خودت را بیازمای.)

إِمْلَأِ الْفَرَاغَ فِي مَا يَلِي، ثُمَّ عَيِّنْ نَوْعَ «لَا» فِيهِ. (جای خالی را در آن‌چه [در زیر] می‌آید پر کن، سپس نوع «لا» را در آن مشخص کن.)

۱. «وَلَا تَسُبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَيَسُبُّوا اللَّهَ ...» الْأَنْعَامُ: ۱۰۸
(و کسانی را که به جای خدا فرا می‌خوانند زیرا که به خدا دشنام دهند.)
دشنام ندهید - «لا» همراه فعل «لا تَسُبُّوا»: لای نهی
۲. «وَلَا يَخْزَنُكَ قَوْلُهُمْ إِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا» يُونُسُ: ۶۵
(گفتارشان تو را ، زیرا ارجمندی، همه خداست.)
نباید اندوهگین کند - از آن - «لا» همراه فعل «لا يَخْزَنُ»: لای نهی
۳. «... هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ» الزُّمَرُ: ۹
(آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که برابرند؟)
نمی‌دانند - «لا» همراه فعل «لا يَعْلَمُونَ»: لای نفی
۴. «... رَبَّنَا وَلَا تَحْمِلْنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ ...» الْبَقَرَةُ: ۲۸۶
(پروردگارا، آن‌چه توانش را هیچ نداریم بر ما)
تحمیل نکن - «لا» همراه فعل «لا تَحْمِلْ»: لای نهی / «لا» همراه اسم «طَاقَةٌ»: لای نفی جنس
۵. «لَا يَزِجُ اللَّهُ مَنْ لَا يَزِجُهُ النَّاسُ». رَسُولُ اللَّهِ ﷺ
(خدا رحم نمی‌کند به کسی که به مردم)
رحم نمی‌کند - «لا» همراه فعل «لا يَزِجُ»: لای نفی

تمارین کتاب درسی

﴿التَّمْرِينُ الْأَوَّلُ﴾ أَيُّ كَلِمَةٍ مِنْ كَلِمَاتِ مُعْجَمِ الدَّرْسِ تُنَاسِبُ التَّوْضِيحَاتِ التَّالِيَةَ؟ (کدام کلمه از کلمات لغت‌نامه درس مناسب توضیحات زیر است؟)

القَّاس: تبر

۱- آله ذاتِ یَدٍ مِنَ الْخَشَبِ وَ بَسٌّ عَرِضَةٌ مِنَ الْحَدِيدِ يُقَطَّعُ بِهَا:

(ابزاری دارای دسته‌ای از چوب و دندانه‌ای پهن از [جنس] آهن که با آن [اشیاء] بریده می‌شود.)

الصَّنَم: بت

۲- تِمْنَالٌ مِنْ حَجَرٍ أَوْ خَشَبٍ أَوْ حَدِيدٍ يُعْبَدُ مِنْ دُونِ اللَّهِ:

(تندبسی از سنگ یا چوب یا آهن که به جای (جز) خدا پرستش می‌شود.)

الْكُتِف: شانه

۳- عُضْوٌ مِنْ أَعْضَاءِ الْجِسْمِ يَقَعُ أَعْلَى الْجِدْعِ:

(عضوی از اعضای بدن که بالای تنه واقع می‌شود.)

الْحَنِيف: یکتاپرست

۴- اَلتَّارِكُ لِلْبَاطِلِ وَ الْمُتَمَائِلُ إِلَى الدِّينِ الْحَقِّ:

(رهاکننده باطل و متمایل به دین حق است.)

التَّهَامُس: پیچ پیچ کردن

۵- اِنَّهُمْ بَدَّوْا يَتَكَلَّمُونَ بِكَلَامٍ خَفِيٍّ:

(همانا آن‌ها شروع به سخن گفتن پنهانی کردند.)

﴿التَّمْرِينُ الثَّانِي﴾ تَرْجِمِ الْعِبَارَاتِ التَّالِيَةَ، ثُمَّ عَيِّنِ الْحَرْفَ الْمَشَبَّهَ بِالْفِعْلِ، وَ لَا النَّافِيَةَ لِلْجِنْسِ. (عبارت‌های زیر را ترجمه کن، سپس حرف مشبّه

به فعل و لای نفی جنس را مشخص کن.)

۱- «... قِيلَ ادْخُلِ الْجَنَّةَ قَالَ يَا لَيْتَ قَوْمِي يَعْلَمُونَ * بِمَا غَفَرَ لِي رَبِّي وَ جَعَلَنِي مِنَ الْمُكْرَمِينَ ...» یس: ۲۶ و ۲۷

...گفته شد: وارد بهشت شو. گفت: ای کاش قوم من می‌دانستند که پروردگار مرا آمرزید و مرا از گرامیان قرار داد ... لَيْتَ: حرف مشبّه بالفعل

۲- «... لَا تَحْزَنْ اِنَّ اللَّهَ مَعَنَا ...» التَّوْبَةُ: ۴۰

... اندوهگین مباش، بی‌گمان خدا با ماست ...

۳- «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» الصَّافَات: ۳۵

هیچ معبودی جز خدا نیست.

۴- «لَا دِينَ لِمَنْ لَا عَهْدَ لَهُ.» رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

هیچ دینی ندارد کسی که هیچ [وفای به] پیمانی ندارد.

۵- «إِنَّ مِنَ السُّنَّةِ أَنْ يُخْرِجَ الرَّجُلُ مَعَ صَيفِهِ إِلَى بَابِ الدَّارِ.» رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

همانا از سنت این است که مرد همراه میهمانش تا در خانه بیرون بیاید.

إِنَّ: حرف مشبّه بالفعل

«لا» همراه اسم: لای نفی جنس

«لا» همراه اسم «دین، عَهْد»: لای نفی جنس

إِنَّ: حرف مشبّه بالفعل

﴿التَّمْرِينُ الثَّالِثُ﴾ أ. اقْرَأِ الشَّعْرَ الْمُنْسُوبَ إِلَى الْإِمَامِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ ثُمَّ عَيِّنِ تَرْجَمَةَ الْكَلِمَاتِ الَّتِي تَحْتَهَا خَطٌّ. (شعر منسوب به امام علی علیه السلام را بخوان

سپس ترجمه کلماتی را که زیرشان خط است، مشخص کن.)

أَيُّهَا الْفَاحِشُ جَهْلًا بِالنَّسَبِ

إِنَّمَا النَّاسُ لَأُمَّ وَ لِأَبٍ

هَلْ تَرَاهُمْ خَلَقُوا مِنْ فَضِيَّةٍ

أَمْ حَدِيدٍ أَمْ نُحَاسٍ أَمْ ذَهَبٍ

بَلْ تَرَاهُمْ خَلَقُوا مِنْ طِينَةٍ

هَلْ سِوَى لَحْمٍ وَ عَظْمٍ وَ عَصَبٍ

إِنَّمَا الْفَخْرُ لِعَقْلِ نَابِتٍ

وَ حَيَاءٍ وَ عَفَافٍ وَ أَدَبٍ

ای که نابخردانه افتخارکننده به دودمان هستی، مردم تنها از یک مادر و یک پدراند.

آیا آنان را می‌بینی (می‌پنداری) که از نقره، آهن، مس یا طلا آفریده شده‌اند؟

بلکه آنان را می‌بینی از تکه گلی آفریده شده‌اند. آیا به‌جز گوشت و استخوان و بی هستند؟

افتخار، تنها به خردی استوار، شرم، پاکدامنی و ادب است.

۱. قیل: گفته شد (مجهول از فعل «قَالَ: گفت»)

ب. اِسْتَخْرِجْ مِنَ الْأَيَّاتِ اسْمَ الْفَاعِلِ، وَ الْفِعْلَ الْمَجْهُولَ، وَ الْجَارَّ وَ الْمَجْرُورَ، وَ الصِّفَةَ وَ الْمَوْصُوفَ.

(از بیت‌ها اسم فاعل، و فعل مجهول و جار و مجرور، و صفت و موصوف را استخراج کن.)

اسم الفاعل: الفَاخِر - ثَابِت / الفعل المجهول: خَلِقُوا / الجارّ و المجرور: بِالنَّسَبِ - لَأُمّ - لِأَبٍ - مِنْ فَصَّةٍ - مِنْ طَبِيعَةٍ - لِعَقْلِ / الصِّفَةُ: ثَابِتٌ - الموصوف: عَقْلٍ

﴿التَّمَرُّنُ الرَّابِعُ﴾ تَرْجِمِ الْأَحَادِيثَ، ثُمَّ عَيِّنِ الْمَطْلُوبَ مِنْكَ. (احادیث را ترجمه کن، سپس خواسته شده از تو را مشخص کن.)

۱- كُلُّ طَعَامٍ لَا يُذَكَّرُ اسْمُ اللَّهِ عَلَيْهِ، ... لَا بَرَكَهَ فِيهِ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ (الْفِعْلُ الْمَجْهُولُ وَ نَوْعُ لَا)

هر خوراکی که نام خدا بر آن یاد نشود، ... هیچ برکتی در آن نیست. لا يَذَكَّرُ: فعل مضارع مجهول منفی / «لا» بر سر فعل «يَذَكَّرُ»: لای نفی،

«لا» همراه اسم «برکة»: لای نفی جنس

۲- لَا تَغْضَبْ، فَإِنَّ الْغَضَبَ مَفْسَدَةٌ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ (نَوْعُ الْفِعْلِ)

خشمگین نشو، زیرا خشم مایه تباهی است. لا تَغْضَبْ: فعل نهی

۳- لَا فَقْرَ أَشَدَّ مِنَ الْجَهْلِ وَلَا عِبَادَةَ مِثْلَ التَّفَكُّرِ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ (الْمُضَافُ إِلَيْهِ وَ نَوْعُ لَا)

هیچ فقری سخت‌تر از نادانی و هیچ عبادتی مانند اندیشیدن نیست. التَّفَكُّرُ: مضاف الیه برای «مِثْلُ» / «لا» همراه اسم «فَقْرٌ» و «عِبَادَةٌ»: لای نفی جنس

۴- لَا تُطْعِمُوا الْمَسَاكِينَ مِمَّا لَا تَأْكُلُونَ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ (نَوْعُ لَا، وَ مُفْرَدٌ «مَسَاكِينَ»)

از آن چه نمی‌خورید به تهی‌دستان مخورانید. «لا» بر سر فعل مضارع با تغییر آخر آن «لا تُطْعِمُوا»: لای نهی -

«الْمَسَاكِينَ» جمع مکسر و مفرد آن: الْمِسْكِين

۵- لَا تَسُبُّوا النَّاسَ فَتَكْتَسِبُوا الْعَدَاوَةَ بَيْنَهُمْ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ (فِعْلُ النَّهْيِ، وَ مُضَادٌّ «عَدَاوَةٌ»)

به مردم دشنام ندهید تا [با این کار] میان آن‌ها دشمنی کسب نمایند (دشمن پیدا کنید). لا تَسُبُّوا: فعل نهی - الْعَدَاوَةُ (دشمنی) ≠ الصَّدَاقَةُ (دوستی)

۶- خُذُوا الْحَقَّ مِنْ أَهْلِ الْبَاطِلِ وَلَا تَأْخُذُوا الْبَاطِلَ مِنْ أَهْلِ الْحَقِّ كَوْنُوا نَقَادَ الْكَلَامِ. عِيسَى بْنُ مَرْيَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ (الْمَحَلُّ الْإِعْرَابِيُّ لِمَا تَحْتَهُ خَطٌّ: محل اعراب (نقش)

برای آن چه زیرش خط است.)

حق را [حتی] از باطل فراگیرید و باطل را [حتی] از اهل حق فرا نگیرید.

سخن سنج (سخن‌شناس) باشید.

الباطل: مضاف‌إلیه - الباطل: مفعول - أَهْلُ: مجرور به حرف جرّ

﴿التَّمَرُّنُ الْخَامِسُ﴾ لِلتَّرْجَمَةِ. (برای ترجمه کردن.)

۱- جَلَسَ: نشست	جَلَسْنَا: نشستیم	لا تَجْلِسُوا: ننشینید
۲- أَجْلَسَ: نشانید	أَجْلَسَ: بنشان	لا تَجْلِسِي: نشان
۳- عَلِمَ: دانست	قَدْ عَلِمْتُ: دانسته‌ای	لَمْ أَعْلَمْ: ندانستم، ندانسته‌ام
۴- عَلَّمَ: یاد داد	قَدْ يُعَلِّمُ: گاهی یاد می‌دهد، شاید یاد دهد	لَنْ يُعَلِّمَ: یاد نخواهد داد
۵- قَطَعَ: بُرید	قُطِعَ: بریده شد	كَانَا يَقْطَعَانِ: می‌بریدند
۶- انْقَطَعَ: بُریده شد	مَا انْقَطَعَ: بریده نشد	لَنْ يَنْقَطِعَ: بریده نخواهد شد
۷- عَفَرَ: آمرزید	قَدْ عَفَرَ: آمرزیده است	لا يُعْفَرُ: آمرزیده نمی‌شود
۸- اسْتَعْفَرَ: آمرزش خواست	قَدْ اسْتَعْفَرْتُ: آمرزش خواسته‌اید	الْعَفَارُ: بسیار آمرزنده
	لا يَسْتَغْفِرُونَ: آمرزش نمی‌خواهند	الْإِسْتِغْفَارُ: آمرزش خواستن
		أَسْتَغْفِرُ: آمرزش می‌خواهم

الْتَّمَرِينَ السَّادِسَ ﴿﴾ اِقْرَأْ هَذِهِ الْأَنْشُودَةَ: ثُمَّ تَرَجِّمْهَا إِلَى الْفَارْسِيَّةِ. (این سرود را بخوان؛ سپس آن را به فارسی ترجمه کن.)

يا إلهي، يا إلهي	يا مُجِيبَ الدَّعَوَاتِ	ای خدای من، ای خدای من، ای برآورنده دعاها؛
اجْعَلِ الْيَوْمَ سَعِيداً	وَ كَثِيراً الْبَرَكَاتِ	امروز را خوش اقبال و پُر برکت قرار بده.
وَ اَمَلًا الصَّدْرَ انْشِراحاً	وَ قَمِي بِالْبَسَمَاتِ	و سینه را از شادمانی و دهانم را از لبخندها پُر کن.
وَ اَعِنِّي فِي دُرُوسِي	وَ اَدَاءِ الْوَاجِبَاتِ	و مرا در درس‌هایم و انجام تکالیف یاری کن.
وَ اَنْزِ عَقْلِي وَ قَلْبِي	بِالْعُلُومِ النَّافِعَاتِ	و خردم و دلم را با دانش‌های سودمند روشن کن.
وَ اجْعَلِ التَّوْفِيقَ حَظِّي	وَ نَصِيبِي فِي الْحَيَاةِ	و موفّقیت را بخت و بهره من در زندگی قرار بده.
وَ اَمَلًا الدُّنْيَا سَلاماً	شَامِلاً كُلَّ الْجِهَاتِ	و دنیا را از صلح فراگیر در همه جهت‌ها پُر کن.
وَ اَحْمِنِي وَ اَحْمِ بِلَادِي	مِنْ شُرُورِ الْحَادِثَاتِ	و از من و کشورم از بدی‌های پیشامدها پشتیبانی کن.

الْتَّمَرِينَ السَّابِعَ ﴿﴾ صَعِّ فِي الْفَرَاغِ كَلِمَةً مُنَاسِبَةً. (در جای خالی کلمه مناسب قرار بده.)

- ۱- قَالَ الْإِمَامُ الْحَسَنُ (عليه السلام): «..... أَحْسَنَ الْحَسَنِ الْخُلُقُ الْحَسَنُ.»
به‌راستی بهترین نیکویی، خوی نیکوست (اخلاق خوب است).
- ۲- سُبُلُ الْمُدَرِّسِ: أَفِي الْمُدْرَسَةِ طَالِبٌ؟ فَأَجَابَ: «..... طَالِبٌ هُنَا.»
از مدیر پرسیده شد: آیا در مدرسه دانش‌آموزی هست؟ پاسخ داد: «هیچ دانش‌آموزی این‌جا نیست.»
- ۳- حَضَرَ السَّبَّاحُ فِي قَاعَةِ الْمَطَارِ؛ الدَّلِيلُ لَمْ يَحْضُرْ.
گردشگران در سالن فرودگاه حاضر شدند؛ اما راهنما حاضر نشد.
- ۴- تَمَنَّى الْمُزَارِعُ: «..... الْمَطَرُ يَنْزِلُ كَثِيراً!»
کشاورز آرزو کرد: «ای کاش باران، بسیار ببارد!»
- ۵- لِمَاذَا يَبْكِي الطِّفْلُ؟ - جَائِعٌ.
چرا کودک می‌گریزد؟ - زیرا او گرسنه است.

الْتَّمَرِينَ الثَّامِنَ ﴿﴾ اكْمَلْ تَرْجَمَةَ هَذَا النَّصِّ؛ ثُمَّ اكْتُبِ الْمَحَلَّ الْإِعْرَابِيَّ لِلْكَلِمَاتِ الَّتِي تَحْتَهَا خَطٌّ. (ترجمه این متن را کامل کن؛ سپس محل اعرابِ نقشی) کلماتی که زیرشان خط است را بنویس.)

حِينَ يَرَى «الطَّائِرُ الذَّكِيَّ» حَيَوَاناً مُفْتَرِساً قَرُبَ عَشِّهِ، يَتَظَاهَرُ أَمَامَهُ بِأَنَّ جَنَاحَهُ مَكْسُورٌ، فَيَتَّبِعُ الْحَيَوَانَ الْمَفْتَرِسَ هَذِهِ الْفَرِيسَةَ، وَ يَتَبَعِدُ عَنِ الْعَشِّ كَثِيراً. وَ عِنْدَمَا يَتَأَكَّدُ الطَّائِرُ مِنْ خِدَاعِ الْعَدُوِّ وَ ابْتِعَادِهِ وَ إِنْقَاذِ حَيَاةِ فِرَاحِهِ، يَطِيرُ بَعْتَةً.

پرنده باهوش هنگامی که جانور درنده را نزدیک لانه‌اش می‌بیند، روبه‌رویش وانمود می‌کند که بالش شکسته است، در نتیجه جانور درنده این شکار را تعقیب می‌کند و از لانه بسیار دور می‌شود و وقتی که این پرنده از فریب دشمن و دور شدنش و نجات زندگی جوجه‌های خود مطمئن می‌شود، ناگهان پرواز می‌کند.

الطَّائِرُ: فاعل برای فعل «يَرَى» - حَيَوَاناً: مفعول - مُفْتَرِساً: صفت برای «حَيَوَاناً» - عَشٌّ: مضاف‌الیه برای «قَرُبَ» - الْحَيَوَانُ: فاعل برای فعل «يَتَّبِعُ» - الْمَفْتَرِسُ: صفت برای «الْحَيَوَانُ» - عَنِ الْعَشِّ: جاز و مجرور - خِدَاعٍ: مجرور به حرف جر «مِنْ» - حَيَاةٍ: مضاف‌الیه برای «إِنْقَاذِ»

الْبَحْثُ الْعِلْمِيُّ (پژوهش علمی)

إِنِ حُثِّ عَنْ وَصِيَّةٍ أَحَدِ شُهَدَاءِ الْحَرْبِ الْمَفْرُوضَةِ أَوْ ذَكَرَ يَتِيهِ أَوْ أَقْوَالِهِ أَوْ أَعْمَالِهِ، ثُمَّ اكْتُبَهَا فِي صَحِيفَةٍ جِدَارِيَّةٍ، أَوْضَعْهَا فِي مَدَوْنَتِكَ أَوْ مَدَوْنَةِ مَدْرَسَتِكَ. به دنبال وصیت یکی از شهیدان جنگ تحمیلی یا خاطراتشان یا گفتار آن‌ها یا کردارشان بگرد، سپس آن‌ها را در یک روزنامه دیواری بنویس، یا آن‌ها را در وبلاگ خود یا وبلاگ مدرسه‌ات قرار بده.



اول

سوالات امتحانی درس

مهارت واژه‌شناسی

الف) تَرْجِمِ الْكَلِمَاتِ الَّتِي تَحْتَهَا خَطًّا: (کلماتی که زیرش خط است، ترجمه کن.)

- ۱- عِبَادَاتُهُ وَشَعَائِرُهُ كَانَتْ خُرَافِيَّةً. (خرداد و دی ۱۴۰۰ - شهریور ۹۸ - شهریور خارج ۹۸) ۱۳- صِرَاعُ الدُّوَل سَبَبٌ فِي إِهْدَامِ الشُّعُوبِ.
- ۲- قَالُوا حِرْقُوهُ وَانصُرُوا آلِهَتَكُمْ. (خرداد خارج ۱۴۰۰) ۱۴- جَعَلَ الْحَطَّابُ فَأْسَهُ عَلَى الْأَرْضِ.
- ۳- إِنَّ الْعُصْبَ مَفْسَدَةٌ. (خرداد ۹۹) ۱۵- وَأَمْلَأَ الصَّدْرَ انْشِرَاحًا.
- ۴- عِنْدَمَا يَتَأَكَّدُ الطَّاغُوتُ مِنْ خِدَاعِ الْعَدُوِّ. (خرداد خارج ۹۹) ۱۶- قَدْ يَكُونُ خِدَاعُ الْعَدُوِّ لِإِنْقَاذِ النَّفْسِ.
- ۵- كَسَّرَ إِبْرَاهِيمُ جَمِيعَ الْأَصْنَامِ. (شهریور ۹۹) ۱۷- إِنَّ الْعُصْبَ مَفْسَدَةٌ.
- ۶- إِمْلَأَ الصَّدْرَ انْشِرَاحًا. (دی خارج ۹۹ - دی خارج ۹۸) ۱۸- أُسْتُشْهِدَ بَعْضُ الْجُنُودِ فِي الْحَرْبِ الْمَفْرُوضَةِ.
- ۷- أَنْقَذَ إِبْرَاهِيمُ قَوْمَهُ مِنْ عِبَادَةِ الْأَصْنَامِ. (خرداد ۹۸) ۱۹- خُلِقَ الْإِنْسَانُ مِنْ طِينَةٍ.
- ۸- لَا يَتَرَكُ اللَّهُ الْإِنْسَانَ سُدىً. (خرداد خارج ۹۸) ۲۰- أَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا.
- ۹- أَنْقَذَ اللَّهُ إِبْرَاهِيمَ مِنَ النَّارِ. (دی ۹۸) ۲۱- تَهَامَسَ الطَّالِبَانِ فِي الصَّفِّ.
- ۱۰- عَلَّقَى الْفَأْسَ عَلَى كَيْفِهِ. (دی ۹۷) ۲۲- كَسَرَ عَظْمٌ يَدَهُ فِي اللَّعْبِ.
- ۱۱- رَأَيْتُ الثَّقُوشَ فِي الْأَثَارِ الْقَدِيمَةِ. ۲۳- يَا مُجِيبَ الدَّعَوَاتِ.
- ۱۲- لَا مَوْجُودٌ يَتَرَكُ سُدىً.

(شهریور ۹۹)

ب) عَيِّنِ الْمُتَضَادَّ وَ الْمُتَرَادِفَ: (الظُّهُور / الْحَنِيفَ / الصِّرَاعَ / الْمُتَوَرَّ / الْمُؤَخَّرَ / السَّلَامَ)

۲۴- = ۲۵- ≠

ج) اُكْتُبِ فِي الْفَرَائِغِ الْكَلِمَاتِ الْمُتَرَادِفَةَ وَ الْكَلِمَاتِ الْمُتَضَادَّةَ: (کلمات مترادف و کلمات متضاد را در جاهای خالی بنویس.)

«اِكْتَشَفَ / صِرَاعَ / أَخَذَ / وَجَدَ / دَاءَ / سَلَّمَ / حَنِيفًا / تَدُلُّ / كَسَّرَ / سَوَى / قَدَّفَ / مَرَضَ / مُشْرِكَ / تُرْشِدُ / وَصَلَ / غَيْرَ

۲۶- = ۳۰- ≠
 ۲۷- = ۳۱- ≠
 ۲۸- = ۳۲- ≠
 ۲۹- = ۳۳- ≠

د) عَيِّنِ الْكَلِمَةَ الْغَرِيبَةَ: (کلمه غریبه را مشخص کن.)

(شهریور ۱۴۰۰)

(دی ۱۴۰۰)

(خرداد ۹۸)

(خرداد خارج ۹۸)

☐ الأقوام

☐ الثُّحاس

☐ العظم

☐ الدَّم

☐ فَأْسَ

☐ حَرْبَ

☐ الكتابات

☐ الدَّهَبَ

☐ الرُّجُلَ

☐ العَامَ

☐ كَيْفَ

☐ نِزَاعَ

☐ الرُّسُومَ

☐ الطَّيْنَةَ

☐ الطَّيْنَ

☐ اللَّحْمَ

☐ تَمَثَّالَ

☐ تُرَابَ

۳۴- ☐ الثَّقُوشَ

۳۵- ☐ الْفِضَّةَ

۳۶- ☐ الْفَمَ

۳۷- ☐ الْعَظْمَ

۳۸- ☐ صَنَمَ

۳۹- ☐ صِرَاعَ

هـ) اُكْتُبِ جَمْعَ الْكَلِمَةِ:

۴۰- الْفَقِيرَ:

۹ اُكْتُبْ مَفْرَدَ الْكَلِمَةِ الَّتِي تَحْتَهَا خَطُّ:

(خرداد خارج ۱۴۰۰)

۴۱- خذوا الحق من اهل الباطل و لا تأخذوا الباطل من اهل الحق كونوا نقاد الكلام.

ز عَيِّنْ مَفْرَدَ الْكَلِمَةِ الَّتِي تَحْتَهَا خَطُّ:

(دی خارج ۹۹)

۴۲- كَسَّرَ إِبْرَاهِيمُ (ع) جَمِيعَ الْأَصْنَامِ فِي الْمَعْبَدِ.

ح اُكْتُبْ جَمْعَ الْكَلِمَةِ الَّتِي تَحْتَهَا خَطُّ:

(دی ۹۸)

۴۳- عَلَّقَ الْفَاسِ عَلَى كَيْفِ الصَّنَمِ.

ط اُكْتُبْ مُفْرَدًا أَوْ جَمْعَ الْكَلِمَاتِ: (مفرد یا جمع کلمات را بنویس).

۴۴- تِمثال: ۴۸- قَرابین:

۴۵- کَیف: ۴۹- خُطوط:

۴۶- عید: ۵۰- رُسوم:

۴۷- عَظَم: ۵۱- شَعائر:

مِهَارَتِ تَرْجَمِهِ بِهَ فَارْسِي

ی تَرْجِمِ الْعِبَارَاتِ إِلَى الْفَارْسِيَّةِ: (عبارت‌ها را به فارسی ترجمه کن.)

(خرداد ۱۴۰۰)

۵۲- ﴿وَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا﴾

(خرداد و دی ۱۴۰۰)

۵۳- ﴿أَنْتَ فَعَلْتَ هَذَا بِآلِهَتِنَا يَا إِبْرَاهِيمُ﴾

(خرداد ۱۴۰۰ - شهریور ۹۹ - دی ۹۷)

۵۴- ﴿قَالُوا حَرِّقُوهُ وَانصُرُوا آلِهَتَكُمْ﴾

(خرداد ۱۴۰۰)

۵۵- لَا شَعْبَ مِنْ شُعُوبِ الْأَرْضِ إِلَّا وَكَانَ لَهُ دِينٌ وَطَرِيقَةٌ لِلْعِبَادَةِ.

(خرداد خارج ۱۴۰۰)

۵۶- كَانَ تَقْدِيمُ الْقَرَابِينِ لِلْأَصْنَامِ لِتَجَنُّبِ شُرْهَاهَا.

(شهریور ۱۴۰۰ - خرداد و شهریور ۹۹)

۵۷- ﴿أَيَحْسَبُ الْإِنْسَانُ أَنْ يُتْرَكَ سُدًى﴾

(شهریور ۱۴۰۰)

۵۸- الْأَثَارُ الْقَدِيمَةُ تُؤَكِّدُ اهْتِمَامَ الْإِنْسَانِ بِالْدِّينِ.

(شهریور ۱۴۰۰)

۵۹- فِي أَحَدِ الْأَعْيَادِ لَمَّا خَرَجَ قَوْمُهُ مِنْ مَدِينَتِهِمْ، بَقِيَ إِبْرَاهِيمُ وَحِيدًا.

(دی ۱۴۰۰ - شهریور ۹۹)

۶۰- قَدْ حَدَّثَنَا الْقُرْآنُ الْكَرِيمُ عَنْ سِيرَةِ الْأَنْبِيَاءِ (ع).

(دی ۱۴۰۰)

۶۱- إِرْدَادَاتُ هَذِهِ الْخُرَافَاتِ فِي أَدْيَانِ النَّاسِ عَلَى مَرَّ الْعُصُورِ.

(خرداد ۹۹)

۶۲- كُلُّ طَعَامٍ لَا يُذَكَّرُ اسْمُ اللَّهِ عَلَيْهِ، لَا بَرَكَةَ فِيهِ.

(خرداد ۹۹)

۶۳- عِنْدَمَا يَتَأَكَّدُ الطَّاغُوتُ مِنْ خِدَاعِ الْعَدُوِّ يَطِيرُ بِغَتَّةٍ.

(خرداد ۹۹)

۶۴- يَرَى الطَّاغُوتُ الذِّكْرَ حَيَوَانًا مُفْتَرِسًا قُرْبَ عَشْوِهِ.

(خرداد ۹۹)

۶۵- إِبْرَاهِيمُ الْخَلِيلُ (ع) حَاوَلَ أَنْ يَنْقُذَ قَوْمَهُ مِنْ عِبَادَةِ الْأَصْنَامِ.

(خرداد ۹۹ - خرداد خارج ۹۹ - شهریور ۹۸)

۶۶- لَا تُطْعِمُوا الْمَسَاكِينَ مِمَّا لَا تَأْكُلُونَ.

(خرداد خارج ۹۹)

۶۷- لَا تَفْقَرُ كَالْجَهْلِ وَلَا مِيرَاثًا كَالْأَدَبِ.

(خرداد خارج ۹۹)

۶۸- بَلْ تَرَاهُمْ خُلِقُوا مِنْ طِينَةٍ. / هَلْ سَوَى لَحْمٍ وَ عَظْمٍ وَ عَصَبٍ.

(خرداد خارج ۹۹)

۶۹- لَا خَيْرَ فِي قَوْلٍ إِلَّا مَعَ الْفِعْلِ.

(شهریور ۹۹)

۷۰- خُذُوا الْحَقَّ مِنْ أَهْلِ الْبَاطِلِ وَلَا تَأْخُذُوا الْبَاطِلَ مِنْ أَهْلِ الْحَقِّ.

(شهریور ۹۹)

۷۱- إِنَّ مِنَ السُّنَّةِ أَنْ يَخْرُجَ الرَّجُلُ مَعَ صَيفِهِ إِلَى بَابِ الدَّارِ.

(شهریور ۹۹)

۷۲- ﴿فَهَذَا يَوْمُ الْبَعْثِ وَلَكِنَّكُمْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ﴾

(دی ۹۹)

۷۳- أَجَابَ الْمُدِيرُ: لَا طَالِبَ هُنَا.

(دی ۹۹)

۷۴- بَدَأَ الْقَوْمُ يَتَهَامَسُونَ: إِنَّ الصَّنَمَ لَا يَتَكَلَّمُ وَ يَقْصُدُ إِبْرَاهِيمُ الْإِسْتِهْزَاءَ بِأَصْنَامِنَا.

(دی ۹۹ - خرداد خارج ۹۸ - دی خارج ۹۸)

۷۵- أَرْسَلَ اللَّهُ الْأَنْبِيَاءَ لِيُبَيِّنُوا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ وَ الدِّينَ الْحَقَّ.

(دی خارج ۹۹)

۷۶- ﴿... هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ ...﴾

(دی خارج ۹۹)

۷۷- يَا إِلَهِي، أُنِزْ عَقْلِي وَ قَلْبِي بِالْعِلْمِ النَّافِعَةِ.

(دی خارج ۹۹ - دی ۹۷)

۷۸- ﴿لَا عِلْمَ لَنَا إِلَّا مَا عَلَّمْتَنَا﴾

(خرداد ۹۸)

۷۹- ثُمَّ عَلَّقَ الْفَأْسَ عَلَى كَتِفِهِ وَ تَرَكَ الْمَعْبَدَ.

(خرداد ۹۸)

۸۰- الْحَضَارَاتُ الْقَدِيمَةُ تُؤَكِّدُ اهْتِمَامَ الْإِنْسَانِ بِالذِّينِ.

(خرداد ۹۸)

۸۱- وَأَمَّا الصِّدْرُ إِِنْشِرَاحًا وَ قَمِي بِالْبَسْمَاتِ.

(خرداد خارج ۹۸)

۸۲- ﴿وَيَقُولُ الْكَافِرُ يَا لَيْتَنِي كُنْتُ ثَرَابًا﴾

(شهریور ۹۸)

۸۳- لَا دِينَ لِمَنْ لَا عَهْدَ لَهُ.

(شهریور ۹۸)

۸۴- ﴿إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ﴾

(شهریور ۹۸)

۸۵- هَلْ تَرَاهُمْ خُلِقُوا مِنْ فِضَّةٍ أَمْ حَدِيدٍ أَمْ نُحَاسٍ أَمْ ذَهَبٍ.

(شهریور خارج ۹۸)

۸۶- ﴿إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا﴾

(دی ۹۸)

۸۷- كَأَنَّ إِرْضَاءَ جَمِيعِ النَّاسِ غَايَةٌ لَا تُدْرَكُ.

(دی ۹۸)

۸۸- لَا لِبَاسٍ أَجْمَلُ مِنَ الْعَافِيَةِ.

(دی ۹۸ - دی خارج ۹۸)

۸۹- كَسَّرَ إِبْرَاهِيمُ (ع) جَمِيعَ الْأَصْنَامِ فِي الْمَعْبَدِ إِلَّا الصَّنَمَ الْكَبِيرَ.

(دی ۹۸ - دی خارج ۹۸)

۹۰- الْأَثَارُ الْقَدِيمَةُ تُؤَكِّدُ اهْتِمَامَ الْإِنْسَانِ بِالذِّينِ وَ تَدُلُّ عَلَى أَنَّهُ فِطْرِيٌّ فِي وُجُودِهِ!

۹۱- أَرْسَلَ اللَّهُ إِلَيْهِمُ الْأَنْبِيَاءَ لِيُبَيِّنُوا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ وَ الدِّينَ الْحَقَّ.

۹۲- لَمَّا شَاهَدُوا أَصْنَامَهُمْ مُكْشَرَةً، ظَنُّوا أَنَّ إِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ هُوَ الْفَاعِلُ، فَأَحْضَرُوهُ لِلْمُحَاكَمَةِ.

۹۳- حَاوَلَ إِبْرَاهِيمُ أَنْ يُنْقِذَ قَوْمَهُ مِنْ عِبَادَةِ الْأَصْنَامِ.

۹۴- اِزْدَادَتْ هَذِهِ الْخُرَافَاتُ فِي أَدْيَانِ النَّاسِ عَلَى مَرِّ الْعُصُورِ.

۹۵- تَعَدَّدُ الْأِلَهَةُ وَ تَقْدِيمُ الْقَرَابِينِ لَهَا لِكَسْبِ رِضَاهَا وَ تَجَنُّبِ شَرِّهَا.

۹۶- لَا شُعْبَ مِنْ شُعُوبِ الْأَرْضِ إِلَّا وَ كَانَ لَهُ دِينٌ وَ طَرِيقَةٌ لِلْعِبَادَةِ.

۹۷- ﴿إِنَّ اللَّهَ لَذُو فَضْلٍ عَلَى النَّاسِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَشْكُرُونَ﴾

۹۸- ﴿إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفًّا كَانَهُمْ بُنِيَانٌ مَرْصُوضٌ﴾

۹۹- أَتَيْهَا الْفَاحِشُ جَهْلًا بِالنَّسَبِ إِنَّمَا النَّاسُ لَأُمٌّ وَ لَأَبٌ

۱۰۰- كُلُّ طَعَامٍ لَا يُذَكَّرُ اسْمُ اللَّهِ عَلَيْهِ، ... لَا بَرَكَةَ فِيهِ.

۱۰۱- ﴿وَلَا تَسُبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَيَسُبُّوا اللَّهَ ...﴾

۱۰۲- أَقِمَّ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا.

۱۰۳- وَ قَدْ حَدَّثَنَا الْقُرْآنُ الْكَرِيمُ عَنْ سِيَرَةِ الْأَنْبِيَاءِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ صِرَاعِهِمْ مَعَ اقْوَامِهِمُ الْكَافِرِينَ.

۱۰۴- وَ أُنِزَ عَقْلِي وَ قَلْبِي بِالْعُلُومِ النَّافِعَاتِ.

۱۰۵- وَ أَعْنِي فِي دروسي وَ أَدَاءِ الْوَاجِبَاتِ.

۱۰۶- خُذُوا الْحَقَّ مِنْ أَهْلِ الْبَاطِلِ ... كُونُوا نَقَادَ الْكَلَامِ.

۱۰۷- لَمَّا رَأَى الطَّائِرَ الذَّكِّيَّ حَيَوَانًا مُفْتَرِسًا، تَظَاهَرَ بِأَنَّ جَنَاحَهُ مَكْسُورٌ.

ک. اِنْتِخِبِ الصَّحِيحَ فِي التَّرْجَمَةِ: (صحيح را در ترجمه انتخاب کن.)

۱۰۸- أَجَابَ: لِمَ تَسْأَلُونَنِي؟ إِسْأَلُوا الصَّنَمَ الْكَبِيرَ.

(خرداد ۱۴۰۰)

(۱) جواب داد: از من نپرسید، از بت بزرگ بپرسید.

(۲) جواب داد: چرا از من می پرسید؟ از بت بزرگ بپرسید.

۱۰۹- اِزْدَادَتْ هَذِهِ الْخُرَافَاتُ فِي أَدْيَانِ النَّاسِ عَلَى مَرِّ الْعُصُورِ.

(خرداد ۹۹)

(۱) این خرافات در دین مردم در زمان های مختلف زیاد می شود.

(۲) این خرافات در دین های مردم در گذر زمان افزایش یافت.

۱۱۰- ﴿وَلَا يَحْزَنُكَ قَوْلُهُمْ إِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا﴾

(شهریور ۹۹)

(۱) و گفتارشان نباید تو را ناراحت کند؛ زیرا ارجمندی همه از آن خداست.

(۲) و گفتارشان تو را ناراحت نکرده است؛ زیرا ارجمندی همه از آن خداست.

۱۱۱- عِنْدَمَا يَتَأَكَّدُ الطَّائِرُ مِنْ خِدَاعِ الْعَدُوِّ وَ اِنْقَادِ فِرَاحِهِ، يَطِيرُ

(دی ۹۹)

(۱) هنگامی که این پرنده از فریب دشمن و نجات جوجه هایش مطمئن می شود، پرواز می کند.

(۲) هنگامی که این پرنده از فریب دشمنان و نجات زندگی جوجه هایش مطمئن می شود، پرواز می کند.

۱۱۲- ﴿لَا عِلْمَ لَنَا إِلَّا مَا عَلَّمْتَنَا ...﴾

(دی خارج ۹۹)

(۱) جز چیزی که به ما می آموزی هیچ دانشی نداشتیم.

(۲) جز آن چه به ما آموخته ای، هیچ دانشی نداریم.

- ۱۱۳- بَلْ تَرَاهُمْ خُلِقُوا مِنْ طِينَةٍ. (۱) بلکه آن‌ها را می‌بینند که از تکه گلی آفریده‌اند. (۲) بلکه آن‌ها را می‌بینی که از تکه گلی آفریده شده‌اند. (خرداد خارج ۹۸)
- ۱۱۴- «وَلَا يَحْزُنْكَ قَوْلُهُمْ» (۱) گفتارشان تو را اندوهگین نمی‌سازد. (۲) نباید گفتارشان تو را اندوهگین سازد. (دی ۹۸)
- ۱۱۵- إِنَّمَا الْفَخْرُ لِعَاقِلٍ ثَابِتٍ. (۱) افتخار، تنها به خردی استوار است. (۲) به درستی که افتخار به خردی استوار است. (دی ۹۸)
- ۱۱۶- لَا تَطْعَمُوا الْمَسَاكِينَ مِمَّا لَا تَأْكُلُونَ. (۱) از چیزی که فقیران نمی‌خورند، نخورید. (۲) از آن چه نمی‌خورید، به تهیدستان مخورانید. (دی ۹۸)
- ۱۱۷- اللَّهُ لَمْ يَتْرُكْ النَّاسَ عَلَى هَذِهِ الْحَالَةِ. خداوند مردم را در این حالت (۱) رها نکرده است. (۲) رها نمی‌کند. (دی ۹۸)
- ۱۱۸- إِنَّمَا يَقْضُ إِبرَاهِيمُ الْإِسْتِهْزَاءَ بِأَصْنَامِنَا. (۱) ابراهیم تنها قصد ریشخند کردن بت‌های ما را دارد. (۲) ابراهیم ریشخند کردن بت‌های ما را قصد می‌کند. (دی ۹۸)
- ۱۱۹- كَانَ إِرضَاءُ جَمِيعِ النَّاسِ غَايَةً لَا تُدْرَكُ. (۱) شاید خشنود ساختن همه مردم هدفی است که به دست نمی‌آوری. (۲) گویی خشنود ساختن همه مردم هدفی است که به دست آورده نمی‌شود. (دی ۹۸)
- ۱۲۰- «فَهَذَا يَوْمُ الْبَعْثِ وَ لَكُمْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ» پس این، روز رستاخیز است ولی شما (۱) نمی‌دانستید. (۲) نمی‌دانید. (دی ۹۸)
- ل كَمَلِ الْفَرَغَاتِ فِي التَّرْجَمَةِ الْفَارْسِيَّةِ: (جاهای خالی را در ترجمه فارسی کامل کن.)**
- ۱۲۱- كَانَ النَّبِيُّ (ص) يَتَعَبَّدُ فِي قَمَةٍ غَارٍ حَرَاءٍ. پیامبر (ص) در غار حراء (خرداد ۱۱۴۰)
- ۱۲۲- تَمَتَّى الْمُرَارُغُ: «لَيْتَ الْمَطَرُ يَنْزِلُ كَثِيرًا». کشاورز ، باران زیاد ببارد. (خرداد ۹۹)
- ۱۲۳- وَ أَمَّا الصَّدْرُ انْشِرَاحًا وَ فَمِي بِالْبَسْمَاتِ. و سینه را از و دهانم را با پر کن. (خرداد ۹۹)
- ۱۲۴- «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُفَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفًا كَانَتْهُمْ بِنْيَانٌ مَرْصُوصٌ» همانا خداوند کسانی را که در راهش در یک صف آن‌ها ساختمانی استوارند. (خرداد خارج ۹۹)
- ۱۲۵- «وَلَا يَحْزُنْكَ قَوْلُهُمْ إِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا» گفتارشان تو را زیرا ارجمندی از آن خداست. (خرداد خارج ۹۹)
- ۱۲۶- حَضَرَ الشَّيْخُ فِي قَاعَةِ الْمَطَارِ لَكِنَّ الدَّلِيلَ لَمْ يَحْضُرْ. گردشگران در سالن حاضر شدند ولی حاضر نشد. (شهریور ۹۹)
- ۱۲۷- وَ أَعْنِي فِي دروسي وَأَدَاءِ الْوَاجِبَاتِ. و من را در درس‌هایم و تکالیف (شهریور ۹۹)
- ۱۲۸- «قَالَ: أَعْلِمَ أَنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» گفت: که خدا بر هر چیزی (دی خارج ۹۹)
- ۱۲۹- «فَهَذَا يَوْمُ الْبَعْثِ وَ لَكُمْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ» پس این روز است ولی شما (دی خارج ۹۹)
- ۱۳۰- كَانَ إِرضَاءُ جَمِيعِ النَّاسِ غَايَةً لَا تُدْرَكُ. خشنود ساختن همه مردم هدفی است که (خرداد ۹۸)
- ۱۳۱- وَ أَمَّا الدُّنْيَا سَلَامًا / شَامِلًا كُلِّ الْجِهَاتِ. دنیا را از فراگیر در همه جهت‌ها (خرداد ۹۸)
- ۱۳۲- لَا لِبَاسٍ أَجْمَلُ مِنَ الْعَافِيَةِ. هیچ لباسی از سلامتی نیست. (خرداد خارج ۹۸)
- ۱۳۳- كُلُّ طَعَامٍ لَا يَذْكُرُ اسْمَ اللَّهِ عَلَيْهِ، وَلَا بَرَكَةٌ فِيهِ. هر غذایی که نام خدا بر آن ، و برکتی در آن نیست. (خرداد خارج ۹۸)
- ۱۳۴- «وَلَا يَحْزُنْكَ قَوْلُهُمْ إِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا» گفتارشان تو را زیرا ارجمندی، همه خداست. (خرداد خارج ۹۸)
- ۱۳۵- لَيْتَنِي أَشَاهِدَ جَمِيعَ مَدُنِ بِلَادِي. همه شهرهای کشور را (خرداد خارج ۹۸)
- ۱۳۶- «وَلَا يَحْزُنْكَ قَوْلُهُمْ إِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا» گفتارشان نباید تو را زیرا ارجمندی همه از آن خداست. (شهریور ۹۸)
- ۱۳۷- «إِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ» خداوند پاداش را تباه نمی‌کند. (شهریور خارج ۹۸)
- ۱۳۸- لَيْتَ صَدِيقِي يَنْجَحُ فِي الْمُسَابَقَةِ. کاش در مسابقه (شهریور خارج ۹۸)
- ۱۳۹- «رَبَّنَا وَلَا تَحْمِلْنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ» پروردگارا، آن چه توانش را بر ما (دی ۹۸)
- ۱۴۰- «أَيَحْسَبُ الْإِنْسَانُ أَنْ يُتْرَكَ سُدًى» آیا انسان که به حال خود ؟
- ۱۴۱- «وَلَا يَحْزُنْكَ قَوْلُهُمْ إِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا» گفتار تو را ، زیرا ارجمندی همه خداست.
- ۱۴۲- لَا كُنْزَ أَغْنَى مِنَ الْقَنَاعَةِ. گنجی از قناعت
- ۱۴۳- وَ اجْعَلِ التَّوْفِيقَ حَظِّي وَ نَصِيبِي فِي الْحَيَاةِ. و را من در زندگی

مهارت شناخت و کاربرد قواعد

م ترجم الأفعال و الكلمات التالية: (فعلها و كلمات زیر را ترجمه کن.)

۱۴۴- جَلَسَ (نشست)	(۱) كَانَ يَجْلِسُ عَلَى الْأَرْضِ.	(۲) هُمْ سَوْفَ يَجْلِسُونَ.	(۳) هِيَ جَلَسَتْ هُنَاكَ.	(خرداد ۱۴۰۰)
۱۴۵- عَلِمَ: دانست	(۱) كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ.	(۲) الْعَلَامَةُ		(خرداد خارج ۱۴۰۰)
۱۴۶- غَفَرَ = آمرزید	(۱) لَا يُغْفَرُ الْمُخْطِئُ.	(۲) قَدْ غَفَرَ اللَّهُ عَبْدَهُ.	(۳) اللَّهُ هُوَ الْغَفَّارُ.	(دی ۱۴۰۰)
۱۴۷- اِسْتَغْفَرَ (آمرزش خواست)	(۱) أَنْتُمْ قَدْ اِسْتَغْفَرْتُمْ.	(۲) هُمْ لَا يَسْتَغْفِرُونَ.	(۳) هِيَ مَا اِسْتَغْفَرَتْ.	(شهریور ۹۹)
۱۴۸- غَفَرَ (آمرزید)	(۱) الْمَغْفُورُ	(۲) الْغَفَّارُ		(دی ۹۹)
۱۴۹- عَلِمَ: (یاد داد)	(۱) قَدْ عَلِمْتُ	(۲) لَا يُعْلَمُونَ	(۳) لَنْ يُعْلَمَ	(دی خارج ۹۹)
۱۵۰- كَاتَبَ: (نامه نگاری کرد)	(۱) كَاتَبُوا	(۲) قَدْ يُكَاتِبُ	(۳) كَانَا يُكَاتِبَانِ	(دی خارج ۹۹)
۱۵۱- ضَرَبَ: (زد)	(۱) لَمْ يَضْرِبَنَّ	(۲) الضَّارِبُ		(دی خارج ۹۹)
۱۵۲- جَالَسَ: هم نشینی کرد	(۱) يَا رَجُلًا، لَا تُجَالِسُوا الْأَشْرَارَ.	(۲) هُوَ لَنْ يُجَالِسَ الْأَعْدَاءَ.		(خرداد ۹۸)
۱۵۳- اِسْتَغْفَرَ: آمرزش خواست	(۱) أَيُّهَا النَّاسُ، اِسْتَغْفِرُوا لِذُنُوبِكُمْ.	(۲) لَيْتَهُمْ يَسْتَغْفِرُونَ لِذُنُوبِهِمْ.		(خرداد ۹۸)
۱۵۴- قَطَعَ: برید	(۱) كَانُوا يَقْطَعُونَ	(۲) لَا نَقْطَعُ		(شهریور ۹۸)
۱۵۵- نَجَحَ: موفق شد	(۱) لَيَنْجَحُ	(۲) سَوْفَ يَنْجَحُ		(شهریور ۹۸)
۱۵۶- شَاهَدَ: مشاهده کرد	(۱) لَنْ يَشَاهِدَ	(۲) أَشَاهِدُ		(شهریور ۹۸)
۱۵۷- قَطَعَ: بُرید	(۱) كَانُوا يَقْطَعُونَ	(۲) قَطَعَ يَدُهُ	(۳) الْمَقْطُوعُ	(شهریور خارج ۹۸)
۱۵۸- أَجْلَسَ: نشانید	(۱) لِمَاذَا لَا تُجْلِسِينَ الْأَطْفَالَ؟	(۲) هُمْ لَمْ يُجْلِسُوا التَّلَامِيذَ.		(دی ۹۸)
۱۵۹- وَ لَنَذْكُرَنَّ مَثَلًا إِبْرَاهِيمَ الْخَلِيلَ.		۱۶۴- قَدْ يَتَّبِعُ الصَّيَادَ فَرِيْسَتَهُ.		
۱۶۰- هَلْ تَرَاهُمْ خُلِقُوا مِنْ فَضَّةٍ		۱۶۵- لَا يَزَحُمُ اللَّهُ مَنْ لَا يَزَحُمُ النَّاسَ.		
۱۶۱- أَجْلَسْنَا أَطْفَالَكَ عَلَى الْكَرَاسِيِّ.		۱۶۶- لَنْ تَنْقَطِعَ هَذِهِ الْأَشْجَابُ.		
۱۶۲- قَدْ اِسْتَغْفَرْتُمْ اللَّهَ عَلَى خَطَايَاكُمْ.		۱۶۷- لَا تَقْطَعُ هَذِهِ الْأَشْجَارَ.		
۱۶۳- لَمْ يَتَأَكَّدِ الطَّائِرُ مِنْ دَفْعِ الْخَطَرِ		۱۶۸- سَوْفَ يَفْهَمُنَ طُرُقَ نَجَاحِهِنَّ.		

ن ترجم الأفعال المعينة التي جاءت بعد «لَيْتَ، لَعَلَّ»: (فعلهاى مشخص شده‌ای که بعد از «لَيْتَ، لَعَلَّ» آمده را ترجمه کن.)

۱۶۹- «وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ»:	۱۷۱- لَيْتَ أَبِي يَأْتِيَنِي الْيَوْمَ مِنَ السَّفَرِ:	
۱۷۰- لَيْتَ الطَّالِبَاتِ ذَهَبْنَ إِلَى الْمُتَحَفِ:	۱۷۲- لَعَلَّ السَّمَاءَ تُمَطِّرُ بَعْدَ سَاعَةٍ:	

س ترجم الكلمات التي تحتها خط: (کلماتی که زیرش خط است ترجمه کن.)

۱۷۳- يَا إِلَهِي يَا مُجِيبَ الدَّعَوَاتِ.	۱۷۸- «كَانَتْهُمْ بُنْيَانُ مَرْصُوصٍ»	(خرداد خارج ۱۴۰۰)
۱۷۴- أَحْسَنُ الْحَسَنِ الْخُلُقِ الْحَسَنُ.	۱۷۹- تَمَنَّى الْمُزَارِعُ: لَيْتَ الْمَطَرُ يَنْزِلُ.	(خرداد خارج ۱۴۰۰)
۱۷۵- شَاهَدُوا أَصْنَافَهُمْ مُكَسَّرَةً.	۱۸۰- جَعَلْتُ اللَّحْمَ الْمَطْبُوخَ عَلَى الْمِنْضَدَةِ.	(شهریور ۱۴۰۰)
۱۷۶- لَا لِبَاسٍ أَجْمَلُ مِنَ الْعَافِيَةِ.	۱۸۱- عَلَّقَ إِبْرَاهِيمُ (ع) الْفَأْسَ عَلَى كَتِفِ أَصْغَرِ الْأَصْنَافِ.	(خرداد خارج ۹۹)
۱۷۷- طَلَبَ الْحَاجَّةُ مِنْ غَيْرِ أَهْلِهَا أَشَدُّ مِنَ الْمَوْتِ.	۱۸۲- «إِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيْعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ»	(شهریور ۹۹)

ع اِنتَخِبِ الصَّحِيحَ. (درست را انتخاب کن.)

۱۸۳- أَنْزَعَنِي قَلْبِي بِالْعُلُومِ النَّافِعَاتِ.	(۱) نورانی کن	(۲) پرکن	(۳) بی نیاز کن	(خرداد ۹۹)
۱۸۴- لَيْتَ نَاصِرًا ابْتَعَدَ عَنِ الْكَسَلِ.	(۱) دوری کرده است	(۲) دوری می کرد	(۳) دوری خواهد کرد	(خرداد خارج ۹۸)

ف عَيْنُ مَا طَلَبَ مِنْكَ: (آنچه از تو خواسته شده را مشخص کن.)

۱۸۵- لَا فَفَرَأَشُدُّ مِنَ الْجَهْلِ. (المجروح بحرف الجاز/ اسم التفضيل)	
۱۸۶- اَلتَّارِكُ لِلْبَاطِلِ وَ الْمُتَمَائِلُ إِلَى الدِّينِ الْحَقِّ. (اسم الفاعل / الصفة)	
۱۸۷- «يَمَا غَفَرُ لِي رَبِّي وَ جَعَلَنِي مِنَ الْمُكْرَمِينَ» (اسم المفعول / المفعول)	
۱۸۸- كُلُّ طَعَامٍ لَا يَذْكُرُ اسْمُ اللَّهِ عَلَيْهِ، ... لَا بَرَكَهَ فِيهِ. (لَا النَّافِيَةُ لِلْجِنْسِ / اَلْفِعْلُ الْمُجْهَوِلُ الْمُنْفِي)	
۱۸۹- إِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيْعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ. (اسم الفاعل / المفعول)	

۱۹۰- وَيَقُولُ الْكَافِرُ يَا لَيْتَنِي كُنْتُ تُرَابًا. (الحرف المشبه بالفعل / الفاعل)

۱۹۱- «استغفروا ربكم إنه كان غفارا» (اسم المبالغة / فعل الأمر)

۱۹۲- لا عبادة مثل التفكير. (المضاف إليه / نوع «لا»)

۱۹۳- «لا تحملنا ما لا طاقة لنا به.» (نوع الفعل / لا النافية للجنس)

مس عین المحلل الإعرابي للكلمات التي تحتها خط: (محل اعراب کلماتی که زیرش خط است مشخص کن.)

۱۹۴- الآثار القديمة تؤكّد اهتمام الإنسان بالدين.

۱۹۵- إنما يقصد إبراهيم الاستهزاء بأصنامنا.

۱۹۶- يرى الطائر الذكي حيواناً مفترساً.

۱۹۷- يتبع الحيوان طائراً في غشه.

۱۹۸- لا يرحم الله من لا يرحم الناس.

۱۹۹- علّق إبراهيم (ع) الفأس على كيف أصغر الأصنام.

۲۰۰- بقي إبراهيم وحيداً فحمل فأسه وكسر جميع الأصنام في المعبد.

ق ضغ في الفراغات كلمة مناسبة حسب المعنى: (بر اساس معنا در جاهای خالی کلمه‌ای مناسب بگذار.)

۲۰۱- (۱) من السنة (۲) يخرج الرجل مع ضيفه (۳) باب الدار.

(۱) أن إن (۲) أن لا (۳) ك إلى

۲۰۲- سألته: (۱) في الصف طالب؟ فأجاب: (۲) طالب في الصف.

(۱) كيف أ (۲) لا لكن

۲۰۳- (۱) يبكي الطفل؟ (۲) جانغ.

(۱) لمن لماذا (۲) ولكنه لأنه

۲۰۴- حضر الشباح (۱) قاعة المطار: (۲) الدليل (۳) يحضر.

(۱) في على (۲) أن لكن (۳) كي لم

۲۰۵- (۱) تأخذوا الباطل (۲) أهل الحق.

(۱) ليتكم لا (۲) من على

۲۰۶- (۱) سوء أسوأ (۲) الكذب.

(۱) ليت لا (۲) في من

ر عین الصحيح في التحليل الصرفي و المحلل الإعرابي لما تحتها خط: (در تجزیه و ترکیب آنچه زیرش خط است درست را مشخص کن.)

۲۰۷- تَمَتَّى المزارع: ليت المطرينزل كثيراً.

(۱) اسم، جمع التكسير (مفردة المزرعة) اسم المكان، المعرف بـ **بأل** / فاعل (۲) اسم، مفرد، مذكر، اسم الفاعل، المعرف بـ **بأل** / فاعل

(۳) اسم، مذكر، اسم الفاعل من «زَرَغ» / خبر

۲۰۸- كَسَرَ جميع الأصنام في المعبد إلا الصنم الكبير.

(۱) اسم فاعل، مفرد، مُعَرَّف بـ **بأل**

«إزدادت الخرافات في أديان الناس على مرّ العصور»

۲۰۹- إزدادت

(۱) فعل ماض، مفرد مذكر، مجهول / مبتدأ

(۲) فعل ماض، مفرد مؤنث، معلوم / فعل

۲۱۰- العصور:

(۱) اسم، جمع تكسير، مُعَرَّف بـ **بأل** / مضاف إليه

(۲) اسم، مفرد، مُدَكَّر، مُعَرَّف بـ **بأل** / مفعول

(خرداد ۱۴۰۰)

(خرداد خارج ۱۴۰۰)

(شهریور ۱۴۰۰)

(دی ۱۴۰۰)

(خرداد و دی ۹۹)

(شهریور ۹۸)

(شهریور خارج ۹۸)

(خرداد خارج ۱۴۰۰)

(خرداد خارج ۹۸)

(دی ۹۸)

مهارت درک و فهم

ش عَيْنِ الصَّحِيحِ وَ الْخَطَا حَسَبَ الْحَقِيقَةِ وَ الْوَاقِعِ: (درست و خطا را بر اساس حقیقت و واقعیت مشخص کن.)

(شهریور ۱۴۰۰)

۲۱۱- عَلَّقَ إِبْرَاهِيمُ (ع) الْفَأْسَ عَلَى كَيْفٍ أَصْعَرَ الْأَصْنَامَ.

(دی ۱۴۰۰)

۲۱۲- لَمْ يَكُنْ لِبَعْضِ الشُّعُوبِ دِينٌ أَوْ طَرِيقَةٌ لِلْعِبَادَةِ.

(دی ۹۹)

۲۱۳- الصَّنَمُ تِمْنَالٌ مِنْ حَجَرٍ أَوْ خَشَبٍ يُعْبَدُ مِنْ دُونِ اللَّهِ.

ت اِنْتَخِبِ الْجَوَابَ الصَّحِيحَ: (پاسخ درست را انتخاب کن.)

(خرداد ۹۹)

۲۱۴- تِمْنَالٌ مِنَ الْحَجَرِ أَوْ الْخَشَبِ أَوْ الْحَدِيدِ يُعْبَدُ مِنْ دُونِ اللَّهِ. (الْفَأْسُ - الصَّنَمُ - التَّجَنُّبُ)

ث اجْعَلْ فِي الدَّائِرَةِ الْعَدَدَ الْمُنَاسِبَ: (در دایره عدد مناسب را قرار بده.)

۲۱۵- الصَّنَمُ

☐ الَّذِي يَتَّبِعُ الدِّينَ الْحَقَّ.

۲۱۶- الْكَفِّ

☐ عُضْوٌ مِنْ أَعْضَاءِ الْجِسْمِ يَقَعُ أَعْلَى الْجِدْعِ.

۲۱۷- الْفَأْسُ

☐ التَّكَلُّمُ بِكَلَامٍ خَفِيِّ.

۲۱۸- الْحَنِيفُ

☐ آلَةُ ذَاتِ يَدٍ مِنَ الْخَشَبِ وَ سِنٍّ عَرِيضَةٍ مِنَ الْحَدِيدِ يُقَطَّعُ بِهَا.

۲۱۹- التَّهَامُسُ

☐ تِمْنَالٌ مِنْ حَجَرٍ أَوْ خَشَبٍ أَوْ حَدِيدٍ يُعْبَدُ مِنْ دُونِ اللَّهِ.

(خرداد خارج ۱۴۰۰)

خ اِقْرَأِ النَّصَّ التَّالِيَ ثُمَّ اِنْتِخِبِ الْإِجَابَةَ الصَّحِيحَةَ: (متن زیر را بخوان سپس پاسخ‌های درست را انتخاب کن.)

«الآثار القديمة التي اكتشفت من خلال النقوش والتماثيل تؤكد إهتمام الإنسان بالدين، لأنه فطري في وجوده ولكن شعائره كانت خرافية، فأما الله تعالى لم يتركه في هذه الحالة فأرسل إليها الأنبياء للهداية والإرشاد.»

۲۲۰- ما يدل على إهتمام الانسان بالدين؟

(۱) لأن الدين أمر فطري. (۲) الآثار القديمة التي اكتشفها الإنسان.

۲۲۱- لماذا ما ترك الإنسان في الخرافات؟

(۱) بسبب هداية النبيين الذين أرسلهم الله. (۲) بشعائر الناس وإن كانت خرافية.

۲۲۲- ما هو المحل الاعرابي لما تحته خط في النص:

إهتمام (.....) هذه (.....)

ذ اِقْرَأِ النَّصَّ ثُمَّ اجِبْ عَنِ الْأَسْئَلَةِ: (متن را بخوان سپس به سؤالات پاسخ بده.)

«عاش النبي إبراهيم عليه السلام بين قوم يعبدون الأصنام فحاول أن يُنقذهم من عبادة الأصنام ولكنهم ما قبلوا كلامه الحق. في أحد الأعياد خرج الناس من المدينة و بقي إبراهيم عليه السلام وحيداً، فكسّر جميع الأصنام، ثم علّق فأسه على كيف الصنم الكبير و ترك المعبّد. فأحضره الناس للمحاكمة. فقفّوه في النار، فأنقذه الله منها.»

۲۲۶- بأيّ أداة انكسرت الأصنام؟

۲۲۳- متى كسّر إبراهيم الأصنام؟

۲۲۷- كيف كان قوم إبراهيم عليه السلام؟

۲۲۴- هل خرّق إبراهيم؟

۲۲۸- أين وضع إبراهيم عليه السلام فأسه؟

۲۲۵- هل كسّر إبراهيم جميع الأصنام؟

مهارت مکالمه

ص اجِبْ عَنِ السُّؤَالَاتِ: (به سؤال‌ها پاسخ بده.)

۲۳۱- هل قرأت (قرأت) قصّة إبراهيم عليه السلام؟

۲۲۹- في أيّ ساعة تنام (تنامين)؟

۲۳۲- ما هي نوعية هذا التمثال؟

۲۳۰- هل تذهب (تذهبين) إلى المتحف؟

پاسخ سوالات امتحانی درس

اول

- ۱- مراسم
- ۲- او را بسوزانید
- ۳- مایه تباهی
- ۴- فریب
- ۵- شکست، شکاند
- ۶- با شادمانی
- ۷- بت ها
- ۸- پوچ و بیهوده
- ۹- نجات داد
- ۱۰- تبر
- ۱۱- کنده کاری ها، نگاره ها
- ۱۲- پوچ و بیهوده
- ۱۳- کشمکش
- ۱۴- تبر
- ۱۵- شادمانی
- ۱۶- فریب - نجات دادن
- ۱۷- مایه تباهی
- ۱۸- تحمیلی
- ۱۹- گل
- ۲۰- یکتاپرست
- ۲۱- پچ پچ کرد [ند]
- ۲۲- استخوان
- ۲۳- پاسخ دهنده
- ۲۴- الحنیف = المَوْحِد: یکتاپرست
- ۲۵- الصُّراع: نزاع و درگیری # السُّلم: آشتی و صلح
- ۲۶- اِکْتَشَفَ = وَجَدَ (یافت)
- ۲۷- داء = مَرَض (بیماری)
- ۲۸- تَدُلُّ = تُرْشِدُ (راهنمایی می کند)
- ۲۹- سَوَى = غَيْرَ (به جز)
- ۳۰- صِراع # سِلْم (کشمکش # آشتی)
- ۳۱- أَخَذَ # قَذَفَ (گرفت # انداخت)
- ۳۲- حَنِيفَ # مُشْرِك (یکتاپرست # دوگانه پرست)
- ۳۳- كَثُرَ # وَصَلَ (شکست # وصل کرد)
- ۳۴- الأقوام - «التَّقْوُوس: نگاره ها - الرُّسُوم: نقاشی ها - الْكِتَابَات: نوشته ها» معنای مشترک را می رسانند.
- ۳۵- الطَّيِّبَةُ: گل - «الْفِضَّة: نقره - الذَّهَب: طلا - التُّحَاس: مس» از فلزات هستند.
- ۳۶- الطَّيْن: گل - «الْفَم: دهان - الرَّجُل: مرد - الْعَظْم: استخوان» انسان و اعضای آن هستند.
- ۳۷- أَلْعَام: سال - «الْعَظْم: استخوان - اللَّحْم: گوشت - الدَّم: خون» اعضای بدن هستند.
- ۳۸- «كَتِف: شانه» سایر کلمات اشیاء هستند: «صَنَم: بت، تمثال: مجسمه. فَأَس: تبر»
- ۳۹- «ثُرَاب: خاک» سایر کلمات در مفهوم درگیری هستند: «صِراع: کشمکش. نِزاع: دعوا. حَرْب: جنگ»
- ۴۰- فقیران
- ۴۱- ناقد: سخن سنج، منتقد
- ۴۲- الصَّنَم: بت
- ۴۳- الأُكْتاف: شانه ها
- ۴۴- تَمَثَّيِل (تندیس ها)
- ۴۵- أُكْتاف (شانه ها)
- ۴۶- أُعْيَاد (جشن ها)
- ۴۷- عِظَام (استخوان ها)
- ۴۸- قُرْبَان (قربانی)
- ۴۹- حَفْطَ (بهره، بخت)
- ۵۰- رَسَم (نقاشی)
- ۵۱- شَعِيرَة (مراسم)
- ۵۲- با یکتاپرستی به دین روی بیاور.
- ۵۳- ای ابراهیم! آیا تو این (کار) را با خدایان ما انجام دادی؟
- ۵۴- گفتند او را بسوزانید و خدایانتان را یاری کنید.
- ۵۵- هیچ ملتی از ملت های زمین نیست، مگر این که دینی و روشی برای عبادت داشته باشد.
- ۵۶- پیشکش قربانی ها به بت ها برای دوری از بدی شان بود.
- ۵۷- آیا انسان گمان می کند (می پندارد) که بیهوده رها می شود.
- ۵۸- آثار قدیمی توجه انسان را به دین تأکید می کند.
- ۵۹- در یکی از عیدها، وقتی قومش از شهر خود بیرون رفتند، ابراهیم (ع) تنها ماند.
- ۶۰- قرآن کریم در مورد سرگذشت (رفتار و کردار) پیامبران با ما سخن گفته است.
- ۶۱- این خرافات در گذر زمان در ادیان مردم بیش تر شد.
- ۶۲- هر غذایی که نام خدا بر آن برده نشود، هیچ برکتی در آن نیست.
- ۶۳- وقتی که این پرنده از فریب دشمن مطمئن می شود، ناگهان پرواز می کند.
- ۶۴- پرنده باهوش حیوان درنده ای را نزدیک لانه اش می بیند.
- ۶۵- [ابراهیم خلیل (ع)] تلاش کرد که قومش را از پرستش بت ها نجات دهد.
- ۶۶- از آن چه نمی خورید به بیچارگان نخورانید.
- ۶۷- هیچ فقری مانند نادانی و هیچ میراثی مانند ادب نیست.
- ۶۸- البتّه آن ها را می بینی که از گلی آفریده شدند آیا چیزی جز گوشتی و استخوانی و پی هستند.
- ۶۹- هیچ خیری در گفتاری نیست؛ مگر این که همراه کردار (عمل) باشد.
- ۷۰- حق را از اهل باطل [فرا] بگیرد و باطل را از اهل حق [فرا] نگیرد.
- ۷۱- همانا از سنت (پیامبر) آن است که شخص با مهمانش تا در خانه برود.
- ۷۲- این روز رستاخیز است ولی شما نمی دانستید.
- ۷۳- مدیر پاسخ داد: هیچ دانش آموزی این جا نیست.
- ۷۴- مردم شروع به پچ پچ کردند: قطعاً بت سخن نمی گوید و ابراهیم قصد مسخره کردن بت های ما را دارد.
- ۷۵- خداوند پیامبران را فرستاد تا راه راست و دین حق را آشکار کنند.
- ۷۶- آیا کسانی که می دانند و کسانی که نمی دانند برابرند؟
- ۷۷- ای خدای من، عقل و قلبم را با دانش های سودمند نورانی کن.
- ۷۸- جز آن چه به ما آموخته ای، هیچ دانشی نداریم (برای ما نیست).
- ۷۹- سپس تبر را بر روی شانه آن آویخت و معبد (عبادتگاه) را ترک کرد.
- ۸۰- تمدن های قدیم، توجّه انسان به دین را تأکید می کند.

- ۸۱- سینه را با شادمانی پر کن و دهانم را با لبخندها.
- ۸۲- و کافر می‌گوید: ای کاش من خاک بودم.
- ۸۳- هیچ دینی برای کسی که هیچ عهدی ندارد، نیست. (هیچ دینی ندارد کسی که هیچ پیمانی ندارد).
- ۸۴- به درستی که انسان در زیان است، مگر کسانی که ایمان آوردند و کارهای شایسته انجام دادند.
- ۸۵- آیا آن‌ها را می‌بینی که از نقره یا آهن یا مس یا طلا آفریده شدند.
- ۸۶- ولی (سرپرست) شما فقط خدا و پیامبرش و کسانی هستند که ایمان آوردند.
- ۸۷- گویی خشنود ساختن همه مردم هدفی است که به دست آورده نمی‌شود.
- ۸۸- هیچ لباسی زیباتر از تندرستی نیست.
- ۸۹- ابراهیم (ع) به جز بت بزرگ، همه بت‌ها را در معبد شکست.
- ۹۰- آثار قدیمی توجه انسان به دین را تأکید می‌کند و راهنمایی می‌کند بر این‌که آن (دین) در وجودش ذاتی است.
- ۹۱- خدایمیران را به سوی شان فرستاد تا راه راست و دین حق را آشکار کنند.
- ۹۲- هنگامی که بت‌هایشان را شکسته شده دیدند، گمان کردند که ابراهیم علیه السلام همان انجام دهنده است، پس او را برای محاکمه احضار کردند.
- ۹۳- ابراهیم تلاش کرد که قومش را از عبادت بت‌ها نجات دهد.
- ۹۴- این افسانه‌ها (خرافات) در گذر زمان در دین‌های مردم افزایش یافت.
- ۹۵- چند خدایی (چندگانگی خدایان) و تقدیم قربانی‌ها به آن‌ها (خدایان) برای به دست آوردن خشنودی آن‌ها و دوری از بدی‌شان است.
- ۹۶- هیچ ملتی از ملت‌های زمین نیست مگر این‌که دینی و روشی برای عبادت داشته باشد.
- ۹۷- بی‌گمان خدا دارای بخشش بر مردم است ولی بیش‌تر مردم سپاسگزاری نمی‌کنند.
- ۹۸- قطعاً خدا کسانی را دوست می‌دارد که صف بسته در راه او پیکار می‌کنند گویی ساختمان استوار هستند.
- ۹۹- ای که نابخردانه افتخارکننده به دودمان هستی، مردم تنها از یک مادر و یک پدر هستند.
- ۱۰۰- هر خوراکی که نام خدا بر آن یاد نشود ... هیچ برکتی در آن نیست.
- ۱۰۱- و کسانی را که به جای خدا فرا می‌خوانند، دشنام ندهید زیرا که به خدا دشنام دهند.
- ۱۰۲- با یکتاپرستی، به دین روی آور.
- ۱۰۳- و قرآن کریم از سرگذشت پیامبران علیهم السلام و کشمکش آن‌ها با قوم‌های بی‌دین‌شان با ما سخن گفته است.
- ۱۰۴- و خردم (عقلم) و دلم را با دانش‌های سودمند روشن کن.
- ۱۰۵- و مرا در درس‌هایم و انجام تکالیف یاری کن.
- ۱۰۶- حق را [حتی] از اهل باطل فرا بگیرد. سخن سنج (سخن شناس) باشید.
- ۱۰۷- هنگامی که پرنده باهوش جانوری درنده را دید، وانمود کرد که بالش شکسته است.
- ۱۰۸- (۲) جواب داد: چرا از من می‌پرسید؟ از بت بزرگ بپرسید.
- ۱۰۹- (۲) این خرافات در دین‌های مردم در گذر زمان افزایش یافت.
- ۱۱۰- (۱) و گفتارشان نباید تورا ناراحت کند؛ زیرا ارجمندی همه از آن خداست.
- ۱۱۱- (۱) هنگامی که این پرنده از فریب دشمن و نجات جوجه‌هایش مطمئن می‌شود، پرواز می‌کند.
- ۱۱۲- (۲) جز آن‌چه به ما آموخته‌ای، هیچ دانشی نداریم.
- ۱۱۳- (۲) بلکه آن‌ها را می‌بینی که از تکه گلی آفریده شده‌اند.
- ۱۱۴- (۲) نباید گفتارشان تو را آندوهگین سازد.
- ۱۱۵- (۱) افتخار، تنها به خردی استوار است.
- ۱۱۶- از آن‌چه نمی‌خورید (لا تأکلون؛ مضارع منفی صیغه للمخاطبین) به تهیدستان مخورانید (لا تطعموا؛ فعل نهی صیغه للمخاطبین).
- ۱۱۷- (۱) رها نکرده است (لَمْ يَتْرُكْ؛ معادل ماضی نقلی یا ماضی ساده)
- ۱۱۸- (۱) تنها (إِنَّمَا)
- ۱۱۹- (۲) گویی (كَأَنَّ). به دست آورده نمی‌شود (لا تُدْرِكُ؛ مضارع مجهول منفی)
- ۱۲۰- (۱) نمی‌دانستید (كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ؛ معادل ماضی استمراری منفی)
- ۱۲۱- قَلَهُ (؛ قَمَّة) - عبادت می‌کرد (كَانَ ... يَتَعَبَّدُ)
- ۱۲۲- آرزو کرد (؛ تَمَنَّى) - کاش (؛ لَيْتَ)
- ۱۲۳- شادمانی (؛ انشراحاً) - لبخندها (؛ الْبَسَمَات)
- ۱۲۴- نبرد می‌کنند، می‌جنگند (؛ يُقَاتِلُونَ) - گویی (؛ كَأَنَّ)
- ۱۲۵- نباید تو را آندوهگین کند (؛ «لا يحزن» نهی غایب) - همه (؛ جميعاً)
- ۱۲۶- فرودگاه (؛ المطار) - راهنما (؛ الدليل)
- ۱۲۷- انجام (؛ أداء) - یاری کن (؛ اُعَيِّنْ)
- ۱۲۸- (می‌دانم (؛ أَعْلَمُ) - توانا است، قادر است (؛ قدير؛ خبر أن)
- ۱۲۹- روز رستاخیز (؛ البعث) - نمی‌دانستید (؛ كنتم لا تعلمون)
- ۱۳۰- گویی (؛ كَأَنَّ) - به دست آورده نمی‌شود (؛ لا تُدْرِكُ)
- ۱۳۱- صلی، آشتی (سلاماً) - پر کن (؛ اِمْلَأْ)
- ۱۳۲- زیباتر (؛ أَجْمَلْ)
- ۱۳۳- ذکر نمی‌شود (؛ لا يُذَكَّرُ) - هیچ (؛ «لا» ی نفی جنس)
- ۱۳۴- نباید تو را آندوهگین کند (؛ «لا يحزن» نهی غایب) - از آن (؛ لَلَّهِ)
- ۱۳۵- کاش من (؛ لَيْتَنِي) - بینم (؛ أَشَاهِدُ؛ مضارع)
- ۱۳۶- [نباید] ... آندوهگین کند (؛ «لا يحزن» نهی غایب)
- ۱۳۷- نیکوکاران (؛ الْمُحْسِنِينَ)
- ۱۳۸- دوستم (؛ صديقي) - موفق شود (؛ يَنْجَحُ؛ مضارع)
- ۱۳۹- هیچ نداریم (؛ لا ... لَنَا) - تحمیل نکن (؛ لا تُحْمِلْ)
- ۱۴۰- می‌پندارد (يَحْسَبُ). پوچ، بی‌پهوده (شدي). رها شود (أَنْ يَتْرُكْ؛ معادل مضارع التزامی)
- ۱۴۱- شان، آن‌ها (هُم؛ ضمیر متصل). نباید آندوهگین کند (لا يَحْزُنْ؛ فعل نهی). از آن (لِلَّهِ)
- ۱۴۲- هیچ (لَا ي نفی جنس). بی‌نیازکننده‌تر (أَعْنَى؛ اسم تفضیل) نیست
- ۱۴۳- موفقیت (التَّوْفِيقُ). بخت (حَقْ). قرار بده (اجعل)
- ۱۴۴- (۱) می‌نشست (۲) خواهند نشست (۳) نشست
- ۱۴۵- (۱) می‌دانستید (۲) بسیار دانا
- ۱۴۶- (۱) آموخته نمی‌شود (۲) آموخته، آموخته است (۳) بسیار آموخته
- ۱۴۷- (۱) آموزش خواسته‌اید (۲) آموزش نمی‌خواهند (۳) آموزش نخواست
- ۱۴۸- (۱) آموخته شده (۲) بسیار آموخته
- ۱۴۹- (۱) یاد داده‌ای (۲) یاد نمی‌دهند (۳) یاد نخواهند داد
- ۱۵۰- (۱) نامه‌نگاری کردند (۲) گاهی با هم نامه‌نگاری می‌کنند [باب تفاعل برای مشارکت دوطرفه] (۴) نامه‌نگاری می‌کردند
- ۱۵۱- (۱) نزدند، نزده‌اند (۲) زنده
- ۱۵۲- (۱) هم‌نشینی نکنید (۲) هم‌نشینی نخواهد کرد
- ۱۵۳- (۱) آموزش بخواهید (۲) آموزش بخواهند (مضارع بعد از «لَيْتَ»)
- ۱۵۴- (۱) می‌بریدند (۲) نمی‌بریم
- ۱۵۵- (۱) باید موفق شود (۲) موفق خواهد شد
- ۱۵۶- (۱) مشاهده نخواهد کرد (۲) مشاهده می‌کنم
- ۱۵۷- (۱) می‌بریدند (۲) برید (۳) بریده شده
- ۱۵۸- (۱) نمی‌نشانی (۲) نشانند
- ۱۵۹- باید یاد کنیم
- ۱۶۰- آن‌ها را می‌بینی
- ۱۶۱- بنشانید
- ۱۶۲- آموزش خواسته‌اید

- ۸۱- سینه را با شادمانی پر کن و دهانم را با لبخندها.
- ۸۲- و کافر می‌گوید: ای کاش من خاک بودم.
- ۸۳- هیچ دینی برای کسی که هیچ عهدی ندارد، نیست. (هیچ دینی ندارد کسی که هیچ پیمانی ندارد).
- ۸۴- به درستی که انسان در زیان است، مگر کسانی که ایمان آوردند و کارهای شایسته انجام دادند.
- ۸۵- آیا آن‌ها را می‌بینی که از نقره یا آهن یا مس یا طلا آفریده شدند.
- ۸۶- ولی (سرپرست) شما فقط خدا و پیامبرش و کسانی هستند که ایمان آوردند.
- ۸۷- گویی خشنود ساختن همه مردم هدفی است که به دست آورده نمی‌شود.
- ۸۸- هیچ لباسی زیباتر از تندرستی نیست.
- ۸۹- ابراهیم (ع) به جز بت بزرگ، همه بت‌ها را در معبد شکست.
- ۹۰- آثار قدیمی توجه انسان به دین را تأکید می‌کند و راهنمایی می‌کند بر این‌که آن (دین) در وجودش ذاتی است.
- ۹۱- خدایمیران را به سوی شان فرستاد تا راه راست و دین حق را آشکار کنند.
- ۹۲- هنگامی که بت‌هایشان را شکسته شده دیدند، گمان کردند که ابراهیم علیه السلام همان انجام دهنده است، پس او را برای محاکمه احضار کردند.
- ۹۳- ابراهیم تلاش کرد که قومش را از عبادت بت‌ها نجات دهد.
- ۹۴- این افسانه‌ها (خرافات) در گذر زمان در دین‌های مردم افزایش یافت.
- ۹۵- چند خدایی (چندگانگی خدایان) و تقدیم قربانی‌ها به آن‌ها (خدایان) برای به دست آوردن خشنودی آن‌ها و دوری از بدی‌شان است.
- ۹۶- هیچ ملتی از ملت‌های زمین نیست مگر این‌که دینی و روشی برای عبادت داشته باشد.
- ۹۷- بی‌گمان خدا دارای بخشش بر مردم است ولی بیش‌تر مردم سپاسگزاری نمی‌کنند.
- ۹۸- قطعاً خدا کسانی را دوست می‌دارد که صف بسته در راه او پیکار می‌کنند گویی ساختمان استوار هستند.
- ۹۹- ای که نابخردانه افتخارکننده به دودمان هستی، مردم تنها از یک مادر و یک پدر هستند.
- ۱۰۰- هر خوراکی که نام خدا بر آن یاد نشود ... هیچ برکتی در آن نیست.
- ۱۰۱- و کسانی را که به جای خدا فرا می‌خوانند، دشنام ندهید زیرا که به خدا دشنام دهند.
- ۱۰۲- با یکتاپرستی، به دین روی آور.
- ۱۰۳- و قرآن کریم از سرگذشت پیامبران علیهم السلام و کشمکش آن‌ها با قوم‌های بی‌دین‌شان با ما سخن گفته است.
- ۱۰۴- و خردم (عقلم) و دلم را با دانش‌های سودمند روشن کن.
- ۱۰۵- و مرا در درس‌هایم و انجام تکالیف یاری کن.
- ۱۰۶- حق را [حتی] از اهل باطل فرا بگیرد. سخن سنج (سخن شناس) باشید.
- ۱۰۷- هنگامی که پرنده باهوش جانوری درنده را دید، وانمود کرد که بالش شکسته است.
- ۱۰۸- (۲) جواب داد: چرا از من می‌پرسید؟ از بت بزرگ بپرسید.
- ۱۰۹- (۲) این خرافات در دین‌های مردم در گذر زمان افزایش یافت.
- ۱۱۰- (۱) و گفتارشان نباید تورا ناراحت کند؛ زیرا ارجمندی همه از آن خداست.
- ۱۱۱- (۱) هنگامی که این پرنده از فریب دشمن و نجات جوجه‌هایش مطمئن می‌شود، پرواز می‌کند.
- ۱۱۲- (۲) جز آن‌چه به ما آموخته‌ای، هیچ دانشی نداریم.
- ۱۱۳- (۲) بلکه آن‌ها را می‌بینی که از تکه گلی آفریده شده‌اند.
- ۱۱۴- (۲) نباید گفتارشان تو را آندوهگین سازد.
- ۱۱۵- (۱) افتخار، تنها به خردی استوار است.
- ۱۱۶- از آن‌چه نمی‌خورید (لا تأکلون؛ مضارع منفی صیغه للمخاطبین) به تهیدستان مخورانید (لا تطعموا؛ فعل نهی صیغه للمخاطبین).

- ۱۶۳- مطمئن نشد، مطمئن نشده است
 ۱۶۴- گاهی تعقیب می‌کند
 ۱۶۵- رحم نمی‌کند
 ۱۶۶- بریده نخواهد شد
 ۱۶۷- نثر
 ۱۶۸- خواهند فهمید
 ۱۶۹- رستگار شوید یا رستگار بشوید (مضارع التزامی)
 ۱۷۰- می‌رفتند، رفته بودند (ماضی استمراری، ماضی بعید)
 ۱۷۱- بیاید (مضارع التزامی)
 ۱۷۲- ببارد (مضارع التزامی)
 ۱۷۳- اجابت‌کننده، پاسخ‌دهنده
 ۱۷۴- نیکوترین، بهترین
 ۱۷۵- شکسته [شده]
 ۱۷۶- زیباتر
 ۱۷۷- شدیدتر، سخت‌تر
 ۱۷۸- استوار و محکم
 ۱۷۹- کشاورز
 ۱۸۰- پخته [شده]
 ۱۸۱- کوچک‌ترین
 ۱۸۲- نیکوکاران
 ۱۸۳- (۱) نورانی کن
 ۱۸۴- (۲) دوری می‌کرد (ماضی بعد از «آیت»)
 ۱۸۵- الجهل: مجرور به حرف جر / أشد: اسم تفضیل
 ۱۸۶- التَّارِك: المُتَمَائِل: اسم فاعل / الحق: صفت
 ۱۸۷- الْمُكْرَمِينَ: اسم مفعول / ضمیر متصل «ی» در جَعَلَنِي: مفعول
 ۱۸۸- «لا» همراه اسم «بركة»: لای نفی جنس / لا يَذْكُرُ: فعل مجهول منفی
 ۱۸۹- الْمُحْسِنِينَ: اسم فاعل / أجز: مفعول
 ۱۹۰- لَيْتَ: حرف مشبه بالفعل / الكافر: فاعل
 ۱۹۱- اسْتَغْفِرُوا: فعل امر / غَفَرًا: اسم مبالغه
 ۱۹۲- التَّفَكُّر: مضاف الیه / «لا» همراه اسم «عبادة»: لای نفی جنس
 ۱۹۳- لا تَحْمِلْ: فعل نهی / «لا» همراه اسم «طاقة»: لا نفی جنس
 ۱۹۴- اهتمام: مفعول - الإنسان: مضاف الیه
 ۱۹۵- إبراهيم: فاعل
 ۱۹۶- الطَّائِر: فاعل - حيواناً: مفعول
 ۱۹۷- الحيوان: فاعل - طائراً: مفعول
 ۱۹۸- الله: فاعل - الناس: مفعول
 ۱۹۹- إبراهيم: فاعل - الأصنام: مضاف الیه
 ۲۰۰- وحيداً: حال - فأس: مفعول برای فعل «حَمَلَ» - الأصنام: مضاف الیه
 ۲۰۱- (۱) إِنَّ (۲) أَنْ (۳) إِلَى. ترجمه عبارت: «به راستی (إِنَّ) از سنت است که خارج شود (أَنْ يَخْرُجَ) مرد همراه میهمان خود تا / به سوی (إِلَى) در خانه.»
 ۲۰۲- (۱) لا. ترجمه عبارت: «از او پرسیدم: آیا (أ) در کلاس دانش‌آموزی است؟ پاسخ داد: هیچ دانش‌آموزی نیست (لا طَالِب) در کلاس؟
 ۲۰۳- (۱) لماذا (۲) لَأَنَّهُ. ترجمه عبارت: چرا (لماذا) کودک گریه می‌کند؟. زیرا او (لَأَنَّهُ) گرسنه است.
 ۲۰۴- (۱) في (۲) لِكِنَّ (۳) لَمْ. ترجمه عبارت: گردشگران در (في) سالن فرودگاه حاضر شدند؛ ولی (لِکِنَّ) راهنما حاضر نشد (لَمْ يَحْضُرْ).
 ۲۰۵- (۱) (۲) مِنْ. ترجمه عبارت: «باطل را از (مِنْ) اهل حق فرانگیرید (لا تَأْخُذُوا).
 ۲۰۶- (۱) (۲) مِنْ. ترجمه عبارت: «هیچ بدی‌ای نیست (لا سوء) بدتر از (مِنْ) دروغ‌گویی.»
- ۲۰۷- (۲) اسم، مفرد، مذکر، اسم الفاعل، المعرف بِأَل / فاعل
 ۲۰۸- (۲) اسم مکان، مفرد، مُذَكَّر، معرفة
 ۲۰۹- (۲) فعل ماضی، مفرد مؤنث، معلوم / فعل
 ۲۱۰- (۱) اسم، جمع تکسیر، مُعَرَّف بِأَل / مضاف الیه
 ۲۱۱- ابراهیم (ع) تبر را روی شانه کوچک‌ترین بت‌ها آویخت. (خطا)
 ۲۱۲- برخی از ملت‌ها دین و روشی برای عبادت نداشتند. (خطا)
 ۲۱۳- بت، تندیس از سنگ یا چوبی است که به جز خدا عبادت می‌شود. (درست)
 ۲۱۴- «الضَّنَم ... بت، تندیس از سنگ یا چوب یا آهن است که به جز خدا عبادت می‌شود.»
 ۲۱۵- تِمَثَالٌ مِنْ حَجَرٍ أَوْ خَشَبٍ أَوْ حَدِيدٍ يُعْبَدُ مِنْ دُونِ اللَّهِ. (تندیس از یک سنگ یا چوب یا آهنی که به جای خدا پرستیده می‌شود). (الضَّنَم: بت)
 ۲۱۶- عُضْوٌ مِنْ أَعْضَاءِ الْجِسْمِ يَقَعُ أَعْلَى الْجِدْعِ. (عضوی از اعضای بدن که بالای تنه واقع شده است). (الْكَيْف: شانه)
 ۲۱۷- أَلَّةٌ ذَاتُ يَدٍ مِنَ الْخَشَبِ وَبِئْسَ عَرِيضَةٌ مِنَ الْحَدِيدِ يُقَطَّعُ بِهَا. (ابزاری دارای دسته‌ای از چوب و دندان پهن از آهن که با آن بریده می‌شود). (الفأس: تبر)
 ۲۱۸- الَّذِي يَتَّبِعُ الدِّينَ الْحَقَّ. (کسی که دین حق را پیروی می‌کند). (الخنيف: یکتاپرست)
 ۲۱۹- التَّكْلَمُ بِكَلَامٍ خَفِيٍّ. (سخن گفتن پنهانی) (الشَّهَامِس: بچ پچ کردن)
 ترجمه متن: آثار قدیمی‌ای که از میان نگاره‌ها و تندیس‌ها کشف شد، توجه انسان به دین را تأکید می‌کند؛ زیرا آن در وجودش ذاتی است ولی مراسم‌های خرافی است، اما خداوند بلندمرتبه او را در این حالت رها نکرد پس پیامبران را برای هدایت و راهنمایی به سوی فرستاد.
 ۲۲۰- چه چیزی بر توجه انسان به دین دلالت دارد؟ (۲) آثار قدیمی‌ای که انسان کشفشان کرد.
 ۲۲۱- چرا انسان در خرافات رها نشد؟
 (۱) به سبب هدایت پیامبرانی که خداوند به سویشان فرستاد.
 ۲۲۲- اهتمام: فاعل هذ: مجرور به حرف جر
 ترجمه متن: پیامبر ابراهیم ﷺ میان قومی زندگی کرد که بت‌ها را می‌پرستیدند. پس تلاش کرد که آن‌ها را از عبادت بت‌ها نجات دهد ولی سخن حق او را نپذیرفتند. در یکی از عیدها مردم از شهر بیرون رفتند و ابراهیم تنها باقی ماند، پس همه بت‌ها را شکست، سپس تبرش را بر شانه بت بزرگ آویخت و عبادتگاه را ترک کرد. پس مردم او را برای محاکمه احضار کردند، و او را در آتش انداختند پس خداوند او را از آن نجات داد.
 ۲۲۳- چه وقت ابراهیم بت‌ها را شکست؟ فِي أَحَدِ الْأَعْيَادِ لَمَّا خَرَجَ النَّاسُ مِنَ الْمَدِينَةِ. (در یکی از عیدها هنگامی که مردم از شهر خارج شدند).
 ۲۲۴- آیا ابراهیم سوزانده شد؟ لَا؛ أَنْقَذَهُ اللَّهُ مِنَ النَّارِ. (نه؛ خداوند او را از آتش نجات داد).
 ۲۲۵- آیا ابراهیم همه بت‌ها را شکست؟ لَا؛ مَا كَسَرَ الضَّنَمَ الْكَبِيرَ. (نه؛ بت بزرگ را نشکاند).
 ۲۲۶- با چه ابزاری بت‌ها شکسته شدند؟ بِالْفَأْسِ. (با تبر)
 ۲۲۷- قوم ابراهیم ﷺ چگونه بودند؟ هم كانوا يعبدون الأصنام. (آن‌ها بت‌ها را می‌پرستیدند).
 ۲۲۸- ابراهیم تبرش را کجا گذاشت؟ عَلَى كَيْفِ الضَّنَمِ الْكَبِيرِ (روی شانه بت بزرگ)
 ۲۲۹- در چه ساعتی می‌خواست؟ فِي السَّاعَةِ الْعَاشِرَةِ وَالرَّابِعِ / فِي السَّاعَةِ الثَّانِيَةِ عَشْرَةَ إِلَّا رُبْعًا. (در ساعت ده و ربع / در ساعت یک ربع به دوازده)
 ۲۳۰- آیا به موزه می‌روی؟ نَعَمْ؛ أَذْهَبُ إِلَى الْمُتَحَفِ. / لَا؛ أَذْهَبُ إِلَى الْمَلْعَبِ. (بله؛ به موزه می‌روم. نه؛ به ورزشگاه می‌روم).
 ۲۳۱- آیا داستان ابراهیم را خواندی؟ نَعَمْ؛ قَرَأْتُهَا. / لَا؛ مَا قَرَأْتُهَا. (بله؛ آن را خواندم. / نه؛ آن را نخواندم)
 ۲۳۲- جنس این تندیس چیست؟ فِصَّةٌ / نُحَاسٌ / حَدِيدٌ (نقره / مس / آهن)